



## بسم الله الرحمن الرحيم

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه‌ی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند.

در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد.

این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافداه) هست» نزدیک خواهد کرد.

متنی که در ادامه می‌خوانید تبیین و تحلیل «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» می‌باشد که حضرت استاد شب زنده دار دام‌ظله طی بیست و هفت جلسه در ابتدای درس خارج فقه خود بیان فرمودند.

### مقدمه | ۱۳۹۷/۱۱/۲۷

این بیانیه‌ی بسیار پر مغز، عالمانه و دلسوزانه ای است که رهبری معظم برای چهل سالگی دوم انقلاب در بدایت راه دوم بیان فرموده‌اند. ایشان [رهبر معظم انقلاب] فرمودند: «که من روی این بیانیه خیلی زحمت کشیدم، من بناء بر این ندارم که اگر چیزی نوشتم و یا مطلبی را که می‌گویم از دیگران درخواست کنم که روی آن کار و مطالعه



کنند، ولی راجع به این می گویم این کار را بکنید، به ماها هم که در خدمتشان بودیم فرمودند که بناء من بر این نیست که بگویم مطالعه کنید یا روی آن کار کنید، اما راجع به این می گویم که این کار را بکنید « این درخواست و این مطالبه را ایشان دارند. عرض من این است که انشاءالله فضلی معظم، طلاب محترم این را در دستور کار خودشان قرار بدهند. من دیروز در یک اجتماعی در مشهد به طلاب و فضلی محترم آنجا عرض کردم که مثل رسائل، مکاسب و کتب درسی به مباحثه بگذارید و بعد در راه نشر، تبیین، پیاده سازی این بیانیه هر کسی در حد و توانی که برایش امکان دارد سرمایه گذاری و کار کند.

### جلسه اول | ۱۳۹۷/۱۱/۲۸

ان شاءالله در طی جلساتی بعضی از فرازهای بیان بسیار مهم، عالمانه، دولسوزانه و فکر شده‌ی مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی را متعرض می شویم، هم تذکاراً برای خودمان و اینکه مایه تدبیر و تأمل بیشتر برای خودمان و گامی جهت انتشار، تبیین و پیاده‌سازی آن بیانیه برداریم.

بعد از آن که ایشان حمد و ثنای الهی را بجای می آورند و درود و سلام بر محمد و آل می فرستند در فراز اول سخنانشان می فرمایند: "از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همّت می گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند."

یعنی یا انقلاب شان به ثمر نشسته یا اگر به ثمر نشسته است آرمان ها فراموش شد و راه منحرف شده است و به کج راه رفته اند. اما به لطف خدای متعال این انقلاب این چنین نبوده است.

"اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوم می‌شود"



اینها یک واقعیت هایی است که به آن توجه می دهند ((وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ))؛ این از آن نعمت هایی است که ما باید هم به یاد خودمان بیاوریم و هم در افراد دیگر به آن توجه بدهیم. این همان نعمت بزرگ خدای متعال بود که فرموده اند ((اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ)).<sup>۲</sup>

مفاد این کلام این نیست که آرمان ها حتماً پیاده شده یا محقق شده است، بحث در این است که از آن آرمان ها دست برداشته نشده است و نظام در صدد پیاده کردن آن ها بحمدالله تبارک و تعالی است. ممکن است که [ آن آرمان ها] پیاده نشده باشد یا کم رنگ پیاده شده باشد یا حتی در بعضی از امور خلاف آنچه که در نظر بوده است انجام شده باشد که مورد به مورد وجود دارد و همین موارد مورد گلابه مندی شدید است و کفران نعمت حساب می شود.

در راس این هرم بحمدالله رهبری وجود دارند و مراجع بزرگوار و حوزه های علیمه و مردم متدین و خداجو هستند، راه راهی است که بنابراین جهت وجود دارد و این گفته ها برای این است که راه گم نشود، کم رنگ نشود و بی توجهی به آن نشود.

این خیلی لازم است که همه ما این وظیفه را داریم که ان شاءالله گام برداریم و متوجه باشیم.

## جلسه دوم | ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

“آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب ها را شکست؛ کهنگی کلیشه ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به

۱. سوره مبارکه الضحی، آیه ۱۴؛ ترجمه: و نعمتهای پروردگارت را بازگو کن!

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۲۲؛ ترجمه: بار خدایا همانا که ما مشتاقانه خواستار حکومتی نیکو خصلت و با شکوه هستیم که که بدان اسلام و اسلامیان را عزت بخشی و نفاق و منافقین را به خاک دلت کشی و ما را از خوانندگان به سوی اطاعت و رهبران مسیرت قرار دهی و به سبب آن کرامت دنیا و آخرت نصیب ما فرمائی.



نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند." چه آن‌هایی که بی تفاوت بودند و چه آن‌هایی که تلاش بر ضد کردند "اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده" که شوروی سابق بود "و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست و پنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پابندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود."

در حقیقت این چند سطر ترجمان آیه مبارکه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» و همچنین ترجمان این حدیث شریف «مَا كَانَ لِلَّهِ يَنْمُو» است، هر چه برای خدا انجام بشود نمو و رشد می‌کند، چون رهبر این انقلاب مرحوم امام امت رضوان الله علیه حقیقتاً اخلاص داشت و برای انجام وظیفه اقدام فرمود. بزرگان و مراجع معظمی که در گذشته همراه امام بودند و بعد هم همین‌طور و همچنین اخلاص‌هایی که در آحاد مردم در سراسر کشور می‌بینیم.

من واقعا به حال بعضی از این افراد غبطه می‌خورم، ما لباس رسمی اسلام و معنویت را پوشیده ایم اما آن‌ها گاهی یک حالتی دارند که انسان نمی‌داند تا آخر به آن حالات دست پیدا می‌کند یا نمی‌کند.

یک پسر عمه ای داشتیم شانزده هفده ساله که به قم آمده بود، خیلی این جوان از جهات مختلف برازندگی داشت به ضرس قاطع به من گفت که من حتما باید به بهشت بروم، و طبق وظیفه‌اش رفت و شهید هم شد و یک نامه ای برای پدر ما نوشته بود.

آدم این‌ها را می‌بیند که تمام تجسم نیت خالص، پاکی، دلدادگی نسبت به معنویت شده‌اند. این‌ها همه باعث شد که آنچه که رهبری معظم این‌جا فرموده اند که خدای متعال در ناباوری همگان این انقلاب را بحمدالله پیروز فرمود و هر چه دسیسه‌های دشمن زیادتر شد بر استحکام این انقلاب افزوده شد.

تا مادامی که این نیت‌های خالص و ارتباط با اهل بیت علیهم السلام وجود دارد ان شاءالله این نظام واکسینه است و در امنیت خواهد بود. منتهی قهراً همان‌طور که دیروز عرض کردیم حجت بر همگان الان

۱. سوره مبارکه محمد، آیه ۷؛ ترجمه: اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.



تمام است که هیچ حجتی بر این که انسان آن احکام الهی که الان قابل پیاده شدن است و قدرت بر پیاده شدنش را داریم پیاده نکنیم معاقب خواهیم بود معاذالله.

## جلسه سوم | ۱۳۹۷/۱۱/۳۰

فراز دیگر از بیانات رهبر معظم دام ظلّه العالی:

" برای همه چیز می توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلائیّت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره های بدرخشد و در دوره های دیگر افول کند. هرگز نمی توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم اندازهای مبارک دل زده شوند. هرگاه دل زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پابندی به آنها و کوشش برای تحقّق آنها."

این مسئله بسیار مهم است که انقلاب اسلامی بر پایه هایی استوار و بر مبانی مبتنی است که آن مبانی جزء امور فطری، عقلائی و مسلم بشریت است، و مادامی که بشر و انسان از فطرت اش کناره گیری نکرده و خاموش نشده است طرفدار این ها خواهد بود که اکثریت مردم این چنین هستند «فَطَرَتَ اللّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»<sup>۱</sup>.

البته گاهی هم وجود دارد که نافرمانی خدای متعال و قرار گرفتن در یک اموری ممکن است به جایی بیانجامد که انسان از واضحات و فطرت هایش نفرت پیدا بکند، این حالت تاری برای افرادی پیدا می شود که از خوبی ها نفرت پیدا می کنند. اما انسان بما هو انسان تا زمانی که آن تاری ها برایش عارض نشده این فطرت را دارد .

این ها اموری نیستند که کسی طرفدار آنها نباشد و بگوئید من عزت، عدالت، معنویت و اخلاق نمی خواهم. بنابراین این خودش مایه امید می شود و چون این انقلاب بر پایه های فطری، دینی، الهی و مورد تسالم بنا شده امید

۱ . سوره مبارکه روم، آیه ۳۰؛ ترجمه: این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛



بخش است و یک ضامنی برای بقاء و تبلیغ‌اش است. برای این است که دیگران به این انقلاب علاقمند می‌شوند و اگر می‌بینیم این چنین شده در حقیقت بخاطر همین امور است.

ما یک سفری برای سرکشی به مراکز آموزشی جامعه المصطفی به لبنان و سوریه داشتیم و بنده هم یک بار بیشتر به سوریه مشرف نشدم و آن هم قبول کردن من در اثر این بود که آنجا زیارت همراهش بود، ساعت یازده، دوازده شب در لبنان آمدیم بیرون و دیدیم ماشینی که قرار بود با آن بجایی برویم پنجر شده است، یکی دو دقیقه طول نکشید که دیدیم از اطراف مختلف جوان‌هایی که وضعیت ظاهری خاصی داشتند و به ظاهرشان نمی‌خورد که مثلاً طرفدار اسلام و متدین باشند آمدند و شروع کردند شعارهایی مثل یاعلی، لا سیف الا ذوالفقار و... دادند و بخاطر اینکه ما برای ایران هستیم، برای جمهوری اسلامی هستیم، برای انقلاب هستیم، ما را با ماشین دیگری فرستادند و گفتند ماشین شما را درست می‌کنیم و برایتان می‌آوریم.

منشاء این دلدادگی و علاقمندی به امام و انقلاب بخاطر این است که بر اساس دیانت و ارزش‌هاست و بخاطر همین جاذبه و با همه ی مشکلاتی که وجود دارد بحمدالله در عالم طرفدار دارد .

خدا کند که ما با عمل‌ها و کارهای مان، کاری نکنیم که [به این انقلاب خدشه ای وارد شود]، متأسفانه گاهی مردم کشورهای دیگر که من سابقاً پاکستان می‌رفتم و با بعضی از آنها آشنا بودم وقتی اینجا می‌آمدند یک تصور دیگری داشتند و خیال می‌کردند که در قم یک مدینه فاضله ی تشکیل شده ولی گاهی جنسی را می‌خریدند و بعد می‌فهمیدند که چند برابر قیمت جنس را خریدند؛ این کارها حقیقتاً خیانت به این آرمان مقدس است ولی چون عده ای از رهبران و عده ای از بزرگان و مردم واقعاً شعارها و مطالب شان همین است بحمدالله و به لطف خدای متعال این جاذبه وجود دارد.

**جلسه چهارم | ۱۳۹۷/۱۲/۰۵**

مقطع چهارم از پیام مهم رهبری معظم:

**"انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش**

**است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست"**



یعنی دست از انقلاب بر نمی دارد و در مقابل هجمه ها و دسیسه های دشمن منفعل نیست «فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ»<sup>۱</sup>. اما چون کارگزاران انقلاب قهراً معصوم نیستند ممکن است خطا و اشتباه داشته باشند، و اگر کسی خطاء و اشتباه آنان را با استدلال جواب داد حتماً آن را می پذیرند و باید بپذیرند. "به نقدها حساسیت مثبت نشان می دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی عمل می شمارد،"

اگر کسی مناقشه ای دارد یا در برنامه ریزی یا عملکردی نقدی دارد و این نقد را بیان می کند [باید بپذیرند]. البته در نظام اسلامی برخی از مراکز و نهادها برای بیان این مساله تعبیه شده است. دیوان عدالت اداری برای این است که تمام آحاد ملت هر مناقشه ای در هر قانونی یا آیین نامه ای یا اساس نامه ای یا دستور العملی یا بخش نامه ای دارند و آن را خلاف شرع یا قانون اساسی می بینند می توانند آن را به دیوان عدالت منعکس کنند و دیوان عدالت اگر بر خلاف قوانین عادی است خودش بررسی می کند و اگر برخلاف بود ابطال می کند و اگر خلاف شرع یا قانون اساسی باشد به شورای نگهبان می فرستد و اگر خلاف شرع باشد وظیفه فقهای شورای نگهبان است که بررسی کنند و اگر حکمی، قانونی، دستورالعملی، آیین نامه ای خلاف موازین شرعی بود این حق برای شورای نگهبان است که آن را ابطال کند. و این از لحاظ قانونی در قانون اساسی تعبیه شده است و یکی از افتخارات است.

یکی از کسانی که [فقدانش] ضایعه ای برای شورای نگهبان و نظام است آیت الله مومن بود که با دقت و وسواس همه این پرونده هایی که محل اشکال بود را با مطالعه می کردند. ایشان با مطالعه ی قبلی، با دقت، که گاهی چند ساعت روی این ها وقت صرف می کردند در جلسه حاضر می شدند و خیلی و خیلی مراعات این جهت را می کردند و از آن طرف هم باانصاف بودند. این انصاف هم خیلی خودش مطلب مهمی است. ایشان خیلی وقت ها برای دیگران مفید بودند، اما گاهی در بحث مناقشه ای پیش می آمد و اگر می دیدند حرف یا اشکال دیگران وارد است دیگر مجامله نمی کردند و عدول می کردند، و این واقعاً درس و اخلاقی عملی برای امثال بنده بود.

در اینجا هم آقا این طور می فرمایند که ما با نظر مثبت به اشکالات نگاه کنیم. واقعاً تقد به درد بخور، تقد صحیح در هر مرحله ای باعث تکامل می شود، باعث رفع نقائص می شود. می فرمایند که:

۱. سوره مبارکه هود، آیه ۱۱۲؛ ترجمه: پس همان گونه که فرمان یافته ای، استقامت کن



"اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی،" که دیگر قانون اساسی آن مهیا شد و به رأی گذاشته شد "به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند،"

میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند. یعنی نظم را باید مراعات کرد، قانونی که به آن رأی داده شده و آن تشکیلاتی که به آن رأی داده شده و نظام بر اساس آن دارد اداره می‌شود آن‌ها را نباید مختل کرد.

یک قانونی به مجلس می‌آید و مجلس روی آن کار می‌کند و رأی می‌دهد، بعد به شورای نگهبان می‌آید، آن‌جا هم بحث می‌شود که خلاف شرع یا قانون اساسی است یا نیست که فرضاً گفتند که خلاف شرع یا خلاف قانون اساسی است. گاهی ممکن است خلاف شرع یا خلاف قانون اساسی بودن مزاحم اقوایی داشته باشد، که این هم فقه و حکم خدای متعال است که اگر مزاحم اقوایی دارد باید طرف مزاحم اقوی را گرفت. باز یک جای دیگری برای این نوع مسائل درست کردند بنام تشخیص مصلحت، آن‌جا باید روی مصالح فکر کنند که در باب تزاحم کدام اهم است.

در همین لوایحی که الان خیلی محل کلام است که اجزاء Fatf هستند، رهبری در همین جلساتی که پنجشنبه‌ها خدمت ایشان می‌رسیم (البته بین ما جمع حقوق دان‌ها نبودند) به شورای نگهبان فرمودند: شما کار خودتان را انجام بدهید اگر خلاف شرع می‌بینید بگویید خلاف شرع است. اگر خلاف قانون اساسی می‌بینید بگویید خلاف قانون اساسی است. اگر در اثر این گفته‌ی شما یک بن‌بستی ایجاد می‌شود، نظام برای آن بن‌بست فکر کرده است و آن تشخیص مصلحت است.

حالا اگر بنا باشد که ما این نظم را مراعات نکنیم، بیاییم همه‌ی تشخیص مصلحتی‌ها و یا شورای نگهبانی‌ها را آماج این قرار بدهیم که شما خائن هستید، شما مصالح را مراعات نمی‌کنید، پس کجا تصمیم بگیرد؟ کجا درست تصمیم بگیرند؟ باید یک جایی بنشیند درست فکر کند، طرفین اطراف مسئله را ببیند، مصالح و مفاسد را ببیند که البته این افراد معصوم نیستند.





ارائه‌ی راهنمایی کردن، اشکال کردن درست و صحیح و منتقل کردن به آن‌ها کار صحیحی است، اما جو را یک گونه ای بکنید که آن‌ها نتوانند تصمیم بگیرند این کار غلطی است. بله! یک کسی می‌گوید این اشکالاتش است و اشکالات را لیست می‌کند و با استدلال می‌گوید قبول کردن این، این مضرات را دارد، این‌ها کار درستی است و باید انجام بشود و واقعاً هر کسی تشخیص می‌دهد، استدلال دارد و دلیل دارد این را باید منتقل کند؛ اما یک کاری نکنند که در آن نظاماتی که قرار داده شده برای این که امور سامان بگیرد، هرج و مرج نشود و بتوانند درست تصمیم بگیرند [خللی ایجاد شود]؛ دیگر سیاسی‌کاری نکنند و واقعاً آن‌چه که مصلحت است آن را انتخاب نکنند، دیگر نباید کاری کرد که نتوانند این وظیفه‌ای را که قانون به عهده‌ی آن‌ها گذاشته و رهبری از آن‌ها تقاضا می‌کند را نتوانند انجام بدهند.

وقتی نزد رهبری معظم هم دام ظلّه مطلبی گفته بشود ایشان با روی باز گوش می‌کنند، بحث‌هایی هم که گاهی می‌شود بدون رودربایستی آن‌جا بحث می‌شود، یعنی این گونه نیست که حالا بخاطر عظمت و ابهت ایشان افراد اشکالاتشان را نگویند. اشکالات در بحث‌های فقهی، علمی و چه در همین بحث‌هایی که گاهی ممکن است پیش بیاید گفته می‌شود و کسی اشکالی به ذهنش می‌آید، حرفی دارد این حرف را می‌زند. البته ایشان قوی‌الحجه هستند و تجربیات فراوانی دارند معمولاً توضیح می‌دهند گاهی هم ممکن است که بپذیرند. یادم هست یک موقعی مرحوم آقای شاهرودی درباره بحث قاجاق یک مطلبی را فرمودند و یک پیشنهادی کردند، ایشان [رهبری] هم پذیرفتند.

بنابراین، اگر از مسئولان کسانی باشند که نمی‌پذیرند یا در حرف می‌گویند می‌پذیریم ولی در عمل نمی‌پذیرند، آن یک مشکله‌ای است که باید آن را با همین توضیحات یک کاری کرد که حل بشود.

در تراحمات باید جوانب مختلف را مراعات کرد. یک مثالی بزنم، چند سال قبل یک لایحه‌ای آمده بود که بسیاری از امکته و مکان‌های مراکز آموزشی از ابتدائی تا دانشگاه‌ها اجاره‌ای بودند و مدت اجاره این مکان‌ها تمام شده بود. ملاک و اصحاب آن‌ها در سراسر کشور از دادگاه‌ها حکم تخلیه گرفته بودند، این مسئله به مجلس رفته بود چون یک مشکله‌ای برای آموزش و پرورش و برای نظام آموزشی کشور، از ابتدایی تا انتهای پیش آمده بود که



بسیاری از این مراکز باید تعطیل بشود. مجلس گفته بود تا دو سال و نیم مال الاجاره این مکان‌ها پرداخت بشود و تخلیه این مکان‌ها به تعویق بیفتند. این لایحه به شورای نگهبان آمد، شورای نگهبان به حکم اولی گفت این تعویق خلاف شرع است چون اجاره‌ها به سر آمده و مُلاک راضی نیستند «و لایجوز التصرف فی مال احد الا بطبیة نفس منه»، پس جایز نیست. این رفت تشخیص مصلحت. آن‌جا این‌ها را ملاحظه می‌کنند که واقعاً حالا این‌گونه است؟ همه‌ی جاها همین‌طور است؟

در تشخیص مصلحت از طوایف مختلف، تخصص‌های مختلف جمع می‌شوند و هم‌فکری می‌کنند، کمیسیون‌های مختلف وجود دارد که آیا واقعاً این‌گونه هست؟ یا مثلاً می‌گوید اگر شما بعضی از تسهیلاتی که ربوی است از خارج‌نگیری، اختلالی در کشور بوجود می‌آید، خب این احتیاج دارد به این‌که واقعاً بررسی شود فلان طرح‌ها، اگر انجام نشود چه‌طور خواهد شد؟ چون تشخیص این‌ها به افرادی احتیاج دارد که در اجرا هم کار کردند و هم اطلاعات آن‌ها متوفّر است، از این جهت شورای نگهبان این ظرفیت را دیگر ندارد، فلذا ممکن است یک نفری که هم عضو شورای نگهبان است و هم عضو تشخیص مصلحت است، در شورای نگهبان بخاطر این‌که ضابطه این است که احکام اولی را بدون این مصالح نگاه کند یک‌طوری نظر بدهد ولی در تشخیص مصلحت استدلال‌ات و تراحم را ببیند و به اقتضای آن‌جا رأی را بدهد که در شورای نگهبان نداده، و این‌گاهی اتفاق می‌افتد.

خط آخر را هم من بخوانم:

**"میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند".**

### جلسه پنجم | ۱۳۹۷/۱۲/۰۶

فراز دیگری از فرمایشات رهبری معظم [را می‌خوانیم]، در این فراز مسئله مهمی را مورد تذکر قرار دادند.

یک توهمی در عده‌ای از کسانی که اطلاع درستی از اسلام ندارند وجود دارد که خیال می‌کنند روحانیت و اسلام با پیشرفت‌های نوین مخالف است و شاید یک سوژه‌هایی هم در یک زمان‌هایی وجود داشته که باعث شده این تلقی در عده‌ای پیدا بشود و یا برای عده‌ای دست‌آویز بشود. مثلاً آن‌اویل با بلندگو مخالفت می‌شد. بحسب



ظاهر یکی از کسانی که شدیداً هم با بلندگو مخالفت می کرد جد ما بودند، اما ایشان علت مخالفت را توضیح می دادند و می گفتند علت مخالفت اذیت شدن همسایگان مسجد است و این مسجد کوچک احتیاج به بلندگو ندارد و کلام و مطلب به همه می رسد. مرحوم امام رضوان الله علیه در یک محرمی ظاهراً گفتند این گناه کبیره است بخاطر آزار همسایه ها.

اگر مخالفتی می کردند بخاطر این نبوده که استفاده از بلندگو اشکال دارد والا اگر صدا نمی رسید استفاده از آن اشکالی نداشت. اما تلقی این بود که آقایون با تکنولوژی و پیشرفت های روز مخالف هستند و حالا هم روی این تبلیغ می شود که اگر حکومت اسلامی، انقلاب اسلامی بخواهد باشد جلوی پیشرفت را می گیرد و این یکی از آن تصورات باطلی است که دشمن از آن سوء استفاده می کند. در این فراز ایشان بر این مطلب تکیه می کنند که در انقلاب اسلامی متحجر نیست و نسبت به امور نوپدایی که بشر می تواند از آن استفاده های صحیح بکند معنی ندارد و روی آرمان و اهداف خودش ایستاده است و از آن ها به هیچ عنوان دست بر نمی دارد.

**"جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است."**

به اصول خودش پایبند است. به عفت، عفاف، حجاب، اخلاق و امثال ذلک پایبند است. و اگر می گوید بفرض، فلان امور باید فیلتر بشود و در دسترس جوان ها و نوجوان ها و خانم ها و کذا نباشد به این معنی نیست که با اصل این امور و استفاده های صحیح اش مخالف است. و بگوییم چون پیشرفت شده هرگونه هرزه و امر باطل و فحشاء و منکرات و مخالف اخلاق باید در دسترس همگان باشد، از این جهت مخالف است.

**"با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند."**

این که چرا بماند؟ برای اینکه تکلیف الهی است.

چگونه بماند؟ این هم برای اش مهم است، نه آنکه بعدها در مسیر بیند که باید این چنین کند تا بماند مثلاً با ستمکاران، با استعمارگران، با استثمارگران، با طواغیت بسازد. خیلی از انقلاب ها برای اینکه بعداً بمانند دست از اصول خودشان کشیدند، این انقلاب این گونه نیست.



**"بی شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتهای، همواره وجدانهای آرمانخواه را عذاب داده و می‌دهد،"**

بایدها این بود که عدالت اجتماعی برقرار بشود، این بود که فحشاء، منکرات، عصیان‌ها، گناه کاری‌ها برطرف بشود ولی ما می‌بینیم این واقعیت‌ها بنحوی که متوقع است و باید بشود نشده است و این همه را آزار می‌دهد. ولی بسیاری از آن‌ها هم بحمدالله شده است.

**"اما این، فاصله‌ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد."**

یکی از نسل جوان مؤمن دانا و پرانگیزه که بحمدالله در تمام اقصاء و در حوزه‌های مبارکه علمیه هم فراوان اند [فضلای جوان هستند]. یکی از انتظارات رهبری معظم، از شما فضلای جوان است که ایشان دو سه هفته پیش فرمودند که طلاب و فضلای جوان این مسائلی که پیش می‌آید و احتیاج به روشن‌گردی دارد با استدلال و تبیین و بدون ایجاد چالش و بدون آنکه بی‌احترامی بشود توقع این است که قلم بزنند، سخنرانی بکنند، مطالب را بیان بکنند و این شبهات را مثل اینکه مثلاً «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»<sup>۱</sup> و امثال ذلک تمسک می‌شود برای پاره‌ای از حرف‌ها، این‌ها را باید حوزه‌های علمیه روشن بکنند و این توقعی است که از شما طلاب محترم جوان است. این آرمان‌ها، این حقایق، این واقعیت‌ها را هم بقلم، هم به بیان در تبلیغات و بیانات تان [بفرمائید].

همان‌طور که به عنایت خدای متعال اصل انقلاب در ناباوری به ثمر نشست، رسیدن به این آرمان‌های واقعی و واقعیت‌های واقعی ان شاءالله به ثمر خواهد نشست البته اگر همان فعالیت‌ها، همان اخلاص‌ها، همان پیگیری‌ها ان شاءالله ادامه داشته باشد.

**جلسه ششم | ۱۳۹۷/۱۲/۱۱**

فراز دیگری از بیان رهبر معظم دام ظلّه العالی:

**"انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است،"**

<sup>۱</sup> . سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵۶: ترجمه: در قبول دین، اکراهی نیست.



جمع شدن قدرتمندی و مهربان بودن با هم یک فضیلت و امتیازی برای این انقلاب است، وقتی این انقلاب را با خیلی از انقلاب های عالم مقایسه می کنیم می بینیم بی رحمی و قساوت و امثال این ها در خیلی از آن [انقلاب ها] فراوان بوده است. با مخالفانشان چگونه برخورد می کردند و یا همچنین خودشان بسیار ضعیف بودند که در اثر مبارزه دشمنانشان جا خالی کردند و واگذار کردند. اما این انقلاب چون اسلامی بوده و ضوابط و خصوصیاتش را از اسلام دریافت کرده و بنه‌اش بر این بوده، فلذاست که هم قدرتمند است و هم مهربان است و همان طور که اولیاء اسلام در طول زمان تاریخ مظلوم بودند این انقلاب هم مظلوم بوده است، حتی از کسانی که توقع نمی رود! مظلومیت گاهی از طرف دشمنِ مسلم است که این تاحدودی قابل تحمل است. دشمن، دشمن است و از ناحیه او ظلم است و انسان باید تحمل کند. اما گاهی هم دوستانی وجود دارند و درعین حال با بی تفاوتی، اشکالات ناروا و نادرست و بدون دقت [به این انقلاب وارد می کنند]، این هم یک مظلومیتی است که وجود دارد.

"مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیامها و جنبشها است، نشده است، در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اول را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربه‌ی متقابل را محکم فرود آورده است."

در مقام دفاع، محکم دفاع کرده اما این گونه نبوده که ابتدا کننده ضربه به دیگران باشد.

"این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد، با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد."

این توصیف ماسبق است، ولی ماسبق آئینه راه مألحق خواهد بود، یعنی تا بحال این گونه بوده و از این به بعد هم با رهبری آن بزرگوار و ان شاءالله متابعت ملت عزیز و شریف و متدین ایران اسلامی همین گونه خواهد بود.



## جلسه هفتم | ۱۳۹۷/۱۲/۱۳

فراز دیگری از فرمایشات رهبری معظم:

« اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. »

این انقلاب یک مولودی داشته است و مولود انقلاب، جمهوری اسلامی است. بنابراین فرق جمهوری اسلامی با انقلاب اسلامی این است که انقلاب در حقیقت حکم والد و والده را برای جمهوری اسلامی ایران دارد و جمهوری اسلامی مولود آن هست. حالا که این جمهوری اسلامی در عالم خارج محقق شده دارای یک حیات و زندگی است .

سخن اول درباره‌ی گذشته است. این امر مهمی است که ما می‌توانیم گذشته را و تجربیاتی را که از گذشته خودمان به دست آوردیم یا دیگران از گذشته تجربیاتی را دارند و در اختیار ما می‌گذارند. گذشته را می‌توان آینه و مسیر یاب آینده قرار داد و بر اساس گذشته‌ها برای آینده فکر کرد و راه را تشخیص داد. از این جهت توجه به گذشته بسیار مهم است به خصوص این نکته برای نسل‌هایی که گذشته را نیافته‌اند چون الاشیاء تُعرف بأضدادها. اگر انسان قبل را نداند که چه بوده و به کجا حالا رسیده قدر موجود را نمی‌داند. ولی اگر بداند وضعیت چگونه بوده است و حالا به این جا رسیده آن وقت قدر موجود را خواهد دانست.

در قرآن شریف، در سوره‌ی مبارکه‌ی یونس، آیه‌ی شریفه‌ی شانزدهم «قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ» این قرآن شریف را اگر خدا نمی‌خواست من تلاوت بر شما نمی‌کردم. خدا هم شما را به این کتاب آگاه نمی‌فرمود. «فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ قبل از این تلاوت من در میان شما زندگی کردم من را می‌شناختید و می‌دانستید که یک دروغ از من سر نزده است، خلافتی از من سر نمی‌زند، امین و مؤتمن بودم، پس گذشته را می‌توانید دلیل بگیریید بر این که این حرف و این مطلبی را که می‌گویم حق است یا غیر حق است. بنابراین توجه به گذشته یک امر بسیار مهمی است .



امیرالمؤمنین سلام الله علیه در آن نامه‌ی بسیار بسیار ارزشمندی که به فرزند بزرگوارشان امام حسن سلام الله علیهما دارند یا محمد بن حنفیه، ولی اقوی این است که به امام حسن سلام الله علیه هست همان طور که در نهج البلاغه هم هست. ایشان در آن جا هم راجع به هر دو مسئله و تجربه‌ی گذشته و نگاه به گذشته به حسب این نقل می‌فرمایند: «فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يُقْسُوَ قَلْبُكَ» قبل از این که قلبت قسی بشود و دیگر پند در آن اثر نکند من مبادرت به تأدیب تو کردم. حالا این بحث این جا هست که امام حسن مخاطب باشد این کلام چه معنا دارد، این‌ها در محل خودش صحبت شده است.

«وَيَسْتَعْلِلُ لُبُّكَ» قبل از این که فکرت این طرف و آن طرف برود و به امور فراوانی مشغول بشود که نتواند دیگر مطالب را درست دریافت بکند این کار را کردم. «لِئَسْتَقْبَلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ» آن چه که اهل تجارب، آن‌هایی که تجربه اندوخته‌اند، آن‌ها تجربه‌های خودشان را در اختیار تو بگذارند «فَتَكُونُ قَدْ كُفَيْتَ مَثُونَةَ الطَّلَبِ» این تجربه‌ی گذشته باعث می‌شود که تو زحمت نخواهی بکشی، از مطالب آن‌ها می‌توانی استفاده بکنی. «وَعُوفِيَتْ مِنْ عِلَاجِ التَّجْرِبَةِ» و هم چنین قسمت‌های دیگر این کلام مبارک را هم نگاه بفرماید که چقدر اهمیت دارد.

**" عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمی‌توان دانست."**

یا باید انسان خودش تجربه کند و یا از تجربه‌ی دیگران، در اموری که برهانی نیست با استدلال نمی‌شود و با تجربه معلوم می‌شود [استفاده کند].

**" بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است."**

آن خفتی که بود، آن مبارزه‌ی که با اسلام بود. آن نوکری که برای اجانب بود و امثال این‌ها که قبلاً بود، این‌ها را خیلی از این جوان‌ها، خیلی از نسل جدید امتحان نکردند. مبارزه‌ای که با دین می‌شد این‌ها را ندیدند. حتی مرحوم امام دارند که ما از مدرسه‌ی فیضیه نمی‌توانستیم بیرون بیاییم، شبانه می‌رفتیم سالاریه که آن موقع باغ بود و خارج از شهر بود، و در آن جا مباحثه می‌کردیم. یک طلبه اصلاً نمی‌شد در خیابان بیاید. در مرئی و منظر باشد.



اهل دیانت نمی توانستند روضه بگیرند، نمی توانستند ذکر مصیبت بکنند، خانم‌ها حجاب‌شان را نمی توانستند مراعات بکنند. من یادم هست مادر بزرگ ما می گفتند: می خواستیم از [خیابان] آذر که منزل‌شان بود، بیایم حرم، شاید ماه‌ها نمی آمدیم بیرون، چون می دانستیم اگر با چادر بخواهیم بیرون بیایم چادرمان را برمی دارند و اصلاً حرم نمی توانستیم برویم. این‌ها را نسل جدید ندیدند و نمی دانند که چه خبر بوده و اگر آن‌ها ادامه پیدا می کرد، می خواستند اسلام‌زدایی بکنند، دین را از بین ببرند. باید به این‌ها توجه بکنیم.

من یادم هست تهران در ماشین بودیم می گفتند الان در پیاده‌رو بعضی از افراد معذرت می خواهم، معذرت می خواهم بعضی از ما یستقیح ذکره را همین طور بیرون انداخته و در خیابان و پیاده‌رو راه می رفتند. یعنی یک حالت ابتذال این‌چینی را ترویج کردند. یا آن جشن‌کذایی که در شیراز گرفته شد بعضی از مایستقیح ذکره نساء را در تمام سطح تلویزیون پر کردند و نشان دادند، که می خواستند حیاء را از جامعه براندازند. این‌ها چنین ایده‌هایی را داشتند. این‌ها را نسل جدید نمی داند. باید توجه داشته باشیم که این اسلام، این انقلاب، این جمهوری اسلامی واقعاً چه خدمت بزرگی کرده است.

**" دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کار آزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید. "**

این فراز هم فراز مهمی است که هدف انقلاب و جمهوری اسلامی چیست؟ هدف عبارت است از تمدن نوین اسلامی، یعنی تمدن پیدا کردن در پرتو اسلام با آرمان‌های اسلام و آن‌چه که اسلام برای بشر مقرر فرموده است و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ارواحنا فداه .

معنای آن این نیست که اگر ما آماده نشویم خدای متعال ظهور حضرت بقیةالله ارواحنا فداه را انجام نخواهد داد. ولی اگر ما آماده بشویم از آن نعمت بزرگی که خدا عطا خواهد فرمود استفاده و بهره برداری می توانیم بکنیم. بنابراین یکی از آرمان‌ها این است که انسان‌ها برای درک آن زمان و استفاده‌ی از محضر آن بزرگوار آماده بشوند، [تا] اعانت کنند، کمک کنند، پذیرش داشته باشند. ممکن است که در آن زمان عده‌ای واقعاً پذیرش نداشته باشند،





کما این که در بعضی روایات است که بعضی از علماء در مقابل حضرت می ایستند. این آمادگی پیدا کردن خودش بسیار مهم است. پس مقصود این هست.

" برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌های قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید."

این مطلب به خصوص در بین جوان‌های غیر حوزوی فراوان طرح است و آن‌ها بیشتر در مورد خطر هستند، در جوان‌های حوزوی و طلاب حوزوی هم این خطر وجود دارد کما این که گاهی گوشه و کنار آدم از بعضی‌ها، مطالبی را می‌شنود که این دلیل بر این است که دشمن حتی در این جاها هم توانسته یک نفوذی داشته باشد.

این وظیفه‌ی همه‌ی ماها است که این نعمت بزرگ خدا را قدر بدانیم و به آن توجه داشته باشیم. آینده‌ی حوزه با شما فضلالی جوان است و این هم نمی‌شود الا به این که واقعاً باید مجاهده کرد.

این مطالبات و خواسته‌های عالمان در فقه، در معارف که الان متوجه حوزه‌های علمیه شده، همه پاسخ‌گوی آن باید حوزه باشد و این به تلاش و درس خواندن و زحمت فراوان نیاز دارد.

یک خصوصیتی حوزه‌ها دارند که جاهای دیگر ندارند. گمان می‌کنم این را از آیت‌الله مؤمن رضوان‌الله علیه شنیدم که ایشان نقل می‌کردند امام می‌فرمود فرق ماها با بقیه‌ی مردم این است؛ (یعنی یکی از فرق‌ها)، اگر در ماها یک خلاف‌کار ببینند، یک طلبه‌ی خلاف‌کار ببینند، یک عالم خلاف‌کار ببینند این را پای همه حساب می‌کنند می‌گویند طلبه‌ها این گونه هستند. علماء این گونه هستند [ولی] در اصناف دیگر این گونه نیست و می‌گویند خود این شخص خراب است. اما الان مردم یک چنین چیزی دارند که وقتی که طلبه‌ای خلاف‌کار باشد به همه نسبت می‌دهند.



حقیقتاً معظم طلبه‌ها از نظر اقتصادی از قشر متوسط جامعه زندگی‌شان پایین‌تر است و معمولاً طلبه‌ها توانایی یک زندگی متعارف و معمولی را ندارند. همه‌ی ماها همین‌طور بودیم و حالا هم هستیم. همین آیت‌الله گلپایگانی، مردم این خانه را برای ایشان خریدند. گمان می‌کنم ایشان صد تا دویست اجاره‌نشینی کرده باشد شاید هم بیش‌تر. علمای دست اول ما هم همین‌گونه بودند. ولی یک نفر می‌بینی حالا مال شخصی دارد یا خدای ناکرده ممکن است از حدود تجاوز بکند این را به همه نسبت می‌دهند. لباس ما، ماشینی که سوار می‌شویم، منزلی که داریم رفت و آمدهایی که داریم همه‌ی این‌ها در چشم مردم است مردم محاسبه می‌کنند.

حالا که طلبه شدیم و به این لباس مفتخر شدیم و در این راه آمدیم وظیفه‌مان این است که برای خدا، برای اسلام هزینه‌ی این راه را هم بدهیم. هزینه‌ی این راه این است که از بعضی از مباحات هم حتی ما باید چشم‌پوشی بکنیم. خدای متعال ان شاءالله به همه‌ی ما توفیق بدهد که طوری عمل کنیم که مورد رضایت خدای متعال و اولیاء اسلام به خصوص حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه بوده باشیم.

### جلسه هشتم | ۱۳۹۷/۱۲/۱۸

به طور کوتاه این فراز هم از فرمایشات رهبری را عرض کنیم حالا ممکن است توضیحاتی داشته باشد که انشاءالله در جلسه‌ی دیگر [بیان می‌شود]. امروز بخاطر این که وقت هم یک مقداری گذشته فقط به خواندن عبارت آن بسنده می‌کنیم.

**"انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛"**

یعنی پیشینه‌ای نداشت، الگویی نبود که ما از آن الگو بهره‌برداری کنیم و اقتباس کنیم.

**"اولاً: همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به‌دست بیگانه — و نه به‌زور شمشیر خود — بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولتهای غربی، و چه وضع به‌شدت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.**

**ثانیاً: هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه‌طی‌شده‌ای در برابر ما وجود نداشت."**



چون انقلاب‌هایی که شده بودن یا غیراسلامی بود یا اگر بعضی از آن‌ها اسلامی بود بر اساس ولایت فقیه و این مدلی که الان پیاده شده نبود .

"بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد و این نخستین درخشش انقلاب بود."

یک امر بدیع که سابقه نداشته است.

این‌ها یک توضیحاتی دارد بعضی از دوستان عزیز هم که اهتمام ورزیده‌اند و مباحثه می‌کنند، راجع به این فرازاها سؤالات علمی طرح می‌کنند، که ان شاءالله در جلسه‌ی بعد آن‌چه که به ذهن حقیر می‌آید راجع به آن‌ها عرض خواهم کرد.

### جلسه نهم | ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

حاصل این فرازی که در جلسه قبل خوانده شده این است که این انقلاب شکوهمند در حقیقت الگوبرداری از انقلاب‌های دیگری که در دنیا محقق شده نبوده. چون معلوم است انقلاب‌های غیر دینی‌ای که وجود داشته است نمی‌تواند سرمشق و الگویی برای انقلاب اسلامی باشد. بعضی از انقلاب‌های دیگر مثل انقلاب کشور پاکستان که جمهوری اسلامی شد و الان نامش جمهوری اسلامی پاکستان است [هم وجود دارد]، اما آن‌ها هم باز الگوی آن این نیست که در آن‌جا بر اساس ولایت فقیه باشد و بخواهد احکام اسلامی آن‌طور پیاده بشود.

بنابراین انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب نویی است که مثیلی و مانندی در حقیقت نداشته و این در حقیقت عنایت الهی بود که به ذهن حضرت امام قدس سره و بزرگان آورده است و عنایت فرموده و آن در خارج محقق شده است.

ترکیب جمهوریت و اسلامیت که در کلمات پایانی این فراز از این پیام مهم است یک مسئله‌ی بسیار مهمی است. بحث‌های نظری و تئوریک فراوانی در این‌جا وجود دارد که جمهوریت و اسلامیت نسبت‌شان چه نسبتی است؟



آیا جمهوریت از اسلامیت برخوردار می‌شود؟ و یا این که تدبیر زمان ما فعلاً اقتضا کرده که ما دنبال جمهوریت هم برویم؟ و الا در اسلام مسئله‌ی جمهوریت مطرح نیست!

این‌ها یک بحث‌های عمیق نظری‌ای دارد که خودش جای بحث مهم دارد و در این مجال نمی‌گنجد که من بخواهم مطلبی در این باب عرض بکنم، اما این مقدار همه توجه داریم که ادله‌ای که ما برای آن به ولایت فقیه و لزوم برپا داشتن حکومت اسلامی تمسک می‌کنیم مختلف هستند. بعضی از آن ادله مانند این که از دلیل عقلی و امور حسبیه بخواهیم مسئله را تمام بکنیم نه از باب اطلاقات ادله‌ی لفظیه، قهراً ممکن است که در آن‌جا بگوییم که قدر متیقن آن‌جایی است که جمهور هم انتخاب داشته باشد. آن شخصی که شرایط شرعیه را دارد یعنی عالم است عادل است فقیه است چه هست چه هست، و در کنار آن مردم هم او را انتخاب کرده‌اند، حالا به هر شکلی [انتخاب کنند]، یا مستقیماً یا به نحو غیرمستقیم کسانی را انتخاب کردند که او انتخاب کند این قدر متیقن از کسی که ولایت به او تفویض شده در عصر غیبت، چنین آدمی است، مثل این که می‌گوییم تقلید اعلم واجب است، دلیل لفظی بر این نداریم ولی می‌گوییم دوران امر بین تعیین و تخییر است یا ما مخیر هستیم بین تقلید مفضول و افضل، یا افضل متعین است، از این باب می‌گوییم. این‌جا هم طبق یک ادله ممکن است از این باب بگوییم که ولایت در این عصر مال کسی است که انتخاب هم به نحوی شده باشد.

اما اگر ادله‌ی لفظیه را داشته باشیم که «قد جعلته علیکم حاکماً» و به آن بخواهیم تمسک بکنیم، فرقی بین این نیست که «جعلته علیکم حاکماً» که مردم قبول بکنند یا قبول نکنند، انتخاب بکنند یا انتخاب نکنند. که البته بر اساس آنچه که ما از ادله‌ی ولایت فقیه می‌فهمیم این جعل مطلق است، مثل نصب خود ائمه علیهم السلام می‌ماند که مردم قبول بکنند یا قبول نکنند امیرالمؤمنین امام اول است و خلیفه‌ی بلافضل رسول‌الله است و هکذا ائمه‌ی بعد. اقبال مردم و ادبار مردم، قبول و عدم قبول مردم در این مسئله دخالتی ندارد.

امام صادق سلام‌الله علیه در جایی که خودش نمی‌تواند اعمال ولایت بکنند و تصدی عملی خارجی داشته باشند، ما را از این که به طواغیت مراجعه کنیم منع کردند و فرمودند من برای شما چنین آدمی را نصب کردم. منتها از باب مقدمه و این که این نمی‌تواند عملاً در خارج کار را انجام بدهد الا به این که انتخاب بکنند، این انتخاب



مضرّ به آن نیست. بلکه الان کالمقدمه‌ی واجب می‌شود که با این ما می‌توانیم در این روزگاری که مردم با انتخاب، این فکر در ذهن مردم است می‌تواند کمک کند برای این که آن‌چه که وظیفه‌ی الهی هست انجام بشود. بنابراین حداقل آن این است که از باب مقدمیت از این راه می‌توانیم بگوییم که این ترکیب یک ترکیب درست و صحیح و عاقلانه‌ای است.

## جلسه دهم | ۱۳۹۷/۱۲/۲۱

فراز دیگری از پیام مهم رهبری معظم:

**" پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد "**

در هنگامه‌ی حدوث این انقلاب پر عظمت، جهان دو قطبی بود، شوروی سابق یک طرف و آمریکا هم یک طرف، با اذنباشان؛ اما بعد از این که انقلاب شکوهمند پیروز شد و به منصفی وجود آمد سه قطبی شد. اما دیری نپایید که این سه قطبیت با اضمحلال یکی از آن‌ها که شوری سابق باشد تبدیل شد به جهان دو قطبی. که این دو قطبی یک طرفش اسلام و یک طرفش نقطه‌ی مقابل اسلام بود. این نقطه‌ی مقابل اسلام تازه بیدار شدند که چه بلایی به سرشان آمد و راه برای این که سیطره‌ی اسلام ان‌شالله جهانی بشود و همه‌جایی و همگانی بشود این‌ها را به وحشت انداخت و این وحشت از آن روز همین‌طور ادامه دارد؛ بالاترین دشمنی‌ها و دسیسه‌ها را برای اضمحلال این انقلاب به‌کار گرفتند و تا به امروز ادامه دارد.

آن‌چه که به این انقلاب حیات بخشید و همه‌ی آن دسیسه‌ها برای از بین بردن [انقلاب] را ناکارآمد کرد، ولو زحمات فراوانی را ایجاد کرده، آن ایمان، تعهد و عنایات الهی در ازاء این ایمان و تعهدی بود که عده‌ای از مردم داشتند و دارند؛ همیشه هم همین‌طور بوده، خدای متعال به واسطه‌ی آن کسانی که حقیقتاً خدا را یاری می‌کنند آن‌ها را یاری می‌فرماید و مقاصد خودش را پیش می‌برد.

**" و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدید می‌آید برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادیخواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه**



و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعونهای در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خبثات، امکان‌پذیر نمی‌شد.

خدای متعال ان‌شاءالله با نیت‌های خالصه‌ای که هم رهبری و بحمدالله امت دارند تأییدات خودش را استمرار ببخشد و روزافزون کند و ان‌شاءالله این انقلاب را به آرمان‌هایش و اهدافش نائل کند و ان‌شاءالله به‌زودی ظهور موفور السرور آقا و مولایمان حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا فداه را برساند.

### جلسه یازدهم | ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

فراز دیگری از بیان رهبری معظم:

"به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا" که در عبارات سابق به آن‌ها اشاره شده "جمهوری اسلامی روز به روز گامهای بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است."

همان طور که می‌دانید ایران بسیار پهناور بوده و این به حسب تاریخ از مسلمات و از واضحات است، ولی در هر برهه‌ای در اثر حجمه‌هایی که به ایران شده بخشی از ایران جدا شد؛ اما بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی تمام مستکبران عالم پشت سر صدام لعین جمع شده بودند ولی با مجاهدت‌های مردم عزیز و شریف در یرتو ایمان و مجاهدت، حتی کمترین بخش از بخش‌های این خاک طیب و طاهر به ارادت اهل بیت علیهم السلام به دشمن واگذار نشد.

از همه نظر ما را تحریم کردند حتی سیم خاردار هم نمی‌دادند اما امروز با این همه مشکلات و فشارها و تحریم‌ها به جنگنده‌های کذایی دست یافته ایم و همچنین در زمینه‌های مختلف که بیش‌ترین بروز آن در جهات علمی است؛ انقلاب‌های دیگر اگر با این چنین دسیسه‌ها و فشارهایی مواجه می‌شدند انقلاب از بین می‌رفت. اما به برکت اسلام



و ایمان و هدایت‌های صحیح رهبری فقید رضوان‌الله علیه و رهبری حاضر دام ظلّه العالی بحمدالله این پیشرفت بوده و حاصل شده است.

بعد می‌فرمایند: " عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله ملت ایران آنگاه به‌درستی دیده می‌شود که این مدّت، با مدّت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود."

یکی از خصوصیات رهبری معظم این است که ایشان به تاریخ این انقلاب‌ها و این سرزمین‌های مختلف وقوف تعجب آور، شگفت‌آوری دارند. شما می‌دانید در فرانسه سلسله‌های متعددی حکومت کردند زن‌های زیادی آن‌جا وجود دارد و اسم‌های آن هم سخت است. اما ایشان این سلسله‌ها را می‌شناسند. یک وقتی خودشان تعریف می‌کردند این اروپایی‌هایی که می‌آیند، من برای آن‌ها تعریف می‌کنم که چه کسی آمد و این‌گونه شد، این‌ها تعجب می‌کنند، گاهی این‌ها خودشان بلد نیستند. ایشان می‌گفتند من جوان که بودم علاقه داشتم و این‌ها را مطالعه کردم. یا مثلاً فرض کنید جغرافیای آمریکا، ایالت‌های مختلف آمریکا چه خصوصیتی دارند؟ ایشان این‌ها را مثل کسی که آن‌جا زندگی کرده یا رفته گاهی توضیح می‌دهند که آن ایالت این‌چنینی است و ما تعجب می‌کنیم که ایشان چگونه به این‌ها وقوف دارند؟

ایشان می‌فرمایند اگر شما با آن انقلاب‌ها مقایسه کنید می‌بینید که مثلاً در انقلاب فرانسه بعد از پانزده سال مردم فرانسه انقلاب کردند که از یوغ استعمارگران و شاهنشاهی و امثال ذلک نجات پیدا کنند ولی بعد به حکومت‌هایی که بسیار بدتر از قبل بودند مبتلا شدند و از نظر استکبار و عدم توجه به منافع مردم بسیار بدتر از قبلی‌ها عمل می‌کردند، یا در شوروی آن انقلابی که آن‌جا انجام شد بعد استالین و اعقاب او مسلط شدند، چه مضایقی برای مردم در جهات مختلف ایجاد کردند. و هکذا انقلاب هند.

[رهبری معظم] می‌فرماید این‌ها احتیاج دارد به این که کسانی که به این انقلاب‌ها آشنا هستند، این‌ها را برای مردم توضیح بدهند، هم برای خود انسان لازم است هم برای مردم لازم است، مخصوصاً برای جوان‌هایی که آن‌ها را هم ندیدند که مقایسه بکنند، آن فقر و آن مشکلاتی که در قبل بود، این‌ها را ندیدند که چه مقدار جاهایی داشتیم که



آبرسانی شده باشند؟ چه مقدار جاهایی داشتیم که جاده کشیده باشد؟ چه مقدار جاهایی داشتیم که برق باشد؟، البته این‌ها به این معنا نیست که در همه‌ی زمینه‌ها درست عمل شده واقعاً اشکالات فراوانی هم وجود دارد. اما نباید آن خوبی‌ها و آن عنایاتی را که خدای متعال فرموده است را فراموش کرد.

**«مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.»**

مدیریت جهادی، مدیریتی است که برای خدا از هر چه که در توان دارد استفاده می‌کند و بی‌دریغ آن‌ها را به صحنه می‌آورد برای این که به اهداف، هم متقن و هم با سرعت دست بیابد. این می‌شود مدیریت جهادی، نیت برای خدا و برای خدمت است، و از نظر هزینه کردن هم آن‌چه که در توان دارد آن را به منصفی ظهور و به میدان می‌آورد که ان شاءالله به نتیجه‌ی مطلوب برسد.

این مسئله هم مهم است که «ما می‌توانیم»، حالا کسی که با تاریخ و این حکام گذشته آشنا باشد می‌داند که آن‌ها چه گونه تحقیر می‌کردند. آن موقع که ما بچه بودیم از بعضی از نخست‌وزیرهای سابق شنیدیم که آن‌ها می‌گفتند که ما یک لوله‌ی آفتابه هم نمی‌توانیم مثلاً بسازیم، حالا شما می‌خواهید مسائل مهم را خودتان انجام بدهید؟

این مطلبی که رهبری معظم می‌فرمایند در همه‌ی صحنه‌ها همین‌گونه است، در حوزه‌های علمیه هم همین‌گونه است. ما می‌توانیم، یعنی خدای متعال، این استعداد، این توانایی را به حمدالله داده است که ما می‌توانیم علم را پیشرفت بدهیم، فقه را پیشرفت بدهیم، اصول را پیشرفت بدهیم، فلسفه را پیشرفت بدهیم. مسائل دیگر و علوم دیگری که توقع از حوزه است که در آن‌ها وارد بشود و آن‌چه که نظر اسلام است را در آن‌ها را بیان بکند.

بحمدالله شما استعدادهای جوان و بالنده و خوب، با توکل به خدای متعال حتماً خواهید رسید. معنا ندارد که ما بگوییم شیخ انصاری همان بود، آقای آخوند خراسانی همان بود، آخوند خراسانی‌ها، شیخ انصاری‌ها، در این حوزه‌ها می‌تواند باز هم به وجود بیایند و درخشندگی کنند، ان شاءالله.





## جلسه دوازدهم | ۱۳۹۷/۱۲/۲۶

فراز دیگری از بیانیه‌ی مهم رهبری معظم، چون مقداری دیر شده این را با سرعت می‌خوانیم ان شاءالله توضیحات برای بعد.

"انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و به شدت عقب‌مانده بود در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت. در گام نخست رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردمسالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد. آن‌گاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد. روحیه و باور ما می‌توانیم را به همگان منتقل کرد. به برکت تحریم دشمنان آتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد." بعد برکات را در فرازهای دیگر می‌شمارند که ان شاءالله در جلسات دیگر آن‌ها را عرض خواهیم کرد.

## جلسه سیزدهم | ۱۳۹۸/۰۱/۱۷

اشاره‌ی کوتاهی هم داشته باشیم به فرمایشات رهبری معظم در بیانیه‌ی گام دوم.

ایشان در این گام دوم برکاتی را که در اثر این انقلاب الهی و شکوهمند پدید شده است، این برکات را که هفت برکت اهم آن‌ها هست ایشان برمی‌شمرند بیان می‌فرمایند که توجه به آثار و برکات انقلاب خودش آثار و برکات فراوانی دارد که اولاً تا انسان توجه به برکات نداشته باشد در مقام شکرگذاری مناسب بر نمی‌آید. وقتی انسان شکرگذاری مناسب انجام می‌دهد که آن نعمت را خوب بشناسد. این شناخت نعمت و آثاری که برای یک نعمت مترتب هست اولاً خودش یک مرحله‌ای از شکرگذاری است. این که ما نعمت‌های خدا را بشناسیم، خود این یک مرتبه‌ی از شکرگذاری است و بعد از این که شناختیم، بعد شکر دیگری را انجام بدهیم که در نگاه‌داری آن نعمت‌ها و تحفظ بر آن نعمت‌ها و ازدیاد آن‌ها گام برداریم و کمک کنیم.

من فقط فهرست این نعمت‌ها را عرض می‌کنم.



یک: "ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی" ایران. در جنگ‌های مختلفی که پیش آمده می‌دانید ایران خیلی وسیع بوده و کم‌کم در اثر جنگ‌هایی که پیش آمده و تجاوزهایی که شده و ناتوانی‌هایی که برای حکام عصرهای مختلف بوده، بسیاری از مراکز ایران و سرزمین‌های ایران از ایران جدا شد. اما این انقلاب باعث شد آن شور، آن نشاط، آن ایمان، با این که تمام جهان می‌توان گفت دست به یکی شده بودند برای این که قسمتی از ایران را جدا کنند این بحمدالله محقق نشد.

دو: "موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی" که این انقلاب موتور پیشران شد که ایرانی که عقب مانده قرار داده شده بود، علی‌رغم صلاحیت‌هایی که داشت اما آن را عقب نگه داشته بودند، یک موتور پیشرانی برای این سرزمین، مردم این سرزمین پیدا شد که در عرصه‌های علم و فناوری و زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، گام‌های بلندی بردارند که ان شاءالله این گام‌ها باید هرچه بلندتر و سریع‌تر و عمیق‌تر ان شاءالله برداشته بشود.

سه: به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی، که باز هم در زمان انقلاب و هم بعد از انقلاب، در زمان دفاع مقدس، در این مشکلاتی که زلزله‌ها و سیل‌ها و امثال ذلک که برای مملکت پیش می‌آید خب انسان می‌بیند که مردم چگونه به یکدیگر رسیدگی می‌کنند دلجویی می‌کنند و فریادرسی می‌کنند این‌ها همه از آثار ایشان انقلاب شمردند این‌ها را.

ان شاءالله خدای متعال بر این آثار استدامه ببخشد و ان شاءالله ما را قدردان آن‌ها قرار بدهد.

## جلسه چهاردهم | ۱۳۹۷/۰۱/۱۸

سه برکتی از برکات انقلاب را که رهبری معظم فرموده بودند دیروز خواندیم. چهارمین امر، ارتقاء شگفت‌آور پیش سیاسی آحاد مردم [است]. این یک واقعیتی است که بحمدالله مردم این سرزمین آگاهی‌های سیاسی بالایی پیدا کردند. هم دشمن‌شناسی بالایی پیدا کردند، هم دسائس آن‌ها، نقشه‌های آن‌ها را بحمدالله درک می‌کنند.

شاهد آن این است که علی‌رغم گلایه‌مندی‌هایی که در بین مردم از بسیاری از کارهایی که بالاخره انجام نشده یا ناروایی‌هایی که انجام می‌شود وجود دارد اما می‌بینید آن‌جا که پای انقلاب، پای اسلام در کار است، مثل بیست و



دو بهمن‌ها، مثل روز قدس و امثال ذلک، چگونه مردم اجابت می‌کنند و به میدان می‌آیند. این‌ها دلیل بر رشد سیاسی و فهم سیاسی بالای مردم است و این یکی از آثاری است که بحمدالله انقلاب برای مردم پدید آورده است.

هم بیانات رهبر فقید رضوان‌الله علیه که با اطلاعیه‌ها، بیانات مختلفی که همه‌ی آن‌ها از تقوا و نیت پاک برمی‌خواست این روشنایی‌ها و آگاهی‌ها را به مردم داد و هم بعد خلف صالح ایشان به حمدالله خدای متعال این لطف را به این مملکت فرموده است و این آگاهی‌ها به وجود آمده. این هم یکی از برکات مهم انقلاب است.

### جلسه پانزدهم | ۱۳۹۸/۰۱/۱۹

پنجمین فرمایش رهبری در بیان برکات انقلاب این است: «سنگین کردن کفّهی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور».

یکی از ظلم‌ها و ناروایی‌هایی که قبل از انقلاب وجود داشت و رایج بود این بود که امکاناتی را که در اختیار مناطق مختلفی می‌گذاشتند تبعیض‌آمیز بود. مثلاً به قم اصلاً توجهی نمی‌کردند، اگرچه از یک جهت برای حوزه‌ی علمیه آن وقت بهتر بود، چون مظاهر دنیوی واقعاً در آن کم بود. آب آشامیدنی به گونه‌ای بود که خیلی از کسانی که از شهرستان‌ها می‌آمدند تاب ماندن در قم را نداشتند. خیلی آب شور [بود].

نظر انقلاب بر این است که باید این امکاناتی که کشور دارد به نحو شایسته‌ای در تمام مناطق و تمام افراد و تمام اقشاری که در مملکت زندگی می‌کنند عادلانه بین آن‌ها توزیع بشود.

بنابراین یکی از برکات و برنامه‌های انقلاب این است که امکاناتی که کشور دارد به نحو عادلانه برای همه‌جا وجود داشته باشد، و اساس بر این است، حالا ممکن است که گاهی بعضی جاها تخلف بشود یا نه، اگر افراد سراغ دارند جاهایی این چنین نیست این مطلبی است که حق اعتراض دارند و می‌توانند بگویند این نیست. ولی بنای انقلاب و حکومت اسلامی و نظام الهی بر این است که امکانات را بین تمام مناطق و افراد جامعه عادلانه تقسیم کند.

خدای متعال این انقلاب عظیم‌الشان را به آرمان‌ها و اهداف بلندش نائل بفرماید ان شاءالله.



## جلسه شانزدهم | ۱۳۹۸/۰۱/۲۴

اثر و برکت ششمی که در بیانیه‌ی رهبری معظم آمده است این است: «افزایش چشم‌گیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه».

اگر یک مقایسه‌ای بین حال و گذشته انجام بشود این واقعیت قابل تصدیق است که عمل به فروغ و ارتباط با خدای متعال و انگیزه‌ی معنوی نسبت به سابق بیش‌تر شده است و نماد این‌ها عبارت است از آن‌چه که ما در اعتکاف‌ها می‌بینیم، که قشرهای جوان در اصناف مختلف علاقه‌مند به اعتکاف و مناجات و ارتباط با خدای متعال هستند یا در این اوان‌های اخیر آن‌چه که نسبت به حضرت سیدالشهداء ارواحنا فداه و سلام‌الله علیه می‌بینیم، آن احساساتی که در عاشورا، تاسوعا یا در اربعین از جمعیت‌های مختلف نشان داده می‌شود، این‌ها نشان‌دهنده‌ی این است که معنویت افزایش پیدا کرده است. البته نه به آن حد کمالی که توقع می‌رود؛ اما در این که افزایش چشم‌گیر پیدا شده برای کسی که با انصاف نگاه کند می‌بیند واقعیت دارد.

یک وقتی رهبری معظم - شاید پارسال یا شاید یک سال هم نشده باشد - فرمودند که مجموع شهریه‌هایی که برای ایران و عراق و جاهای دیگر باید بدهم فلان مقدار است، بعد آقای رسولی که مسئول امور وجوهات هستند می‌فرمود که ده درصد این مبلغی که حاصل می‌شود که مبلغ بالایی هم است از وجوهاتی است که مثلاً از ده میلیون به بالاست، ولی عمده‌ی آن که نود درصد باشد همین وجوهات قلیلی است که مثلاً چند هزار تومان و چند میلیون کم [است]، که این نشان می‌دهد که آدم‌هایی متقی هستند به این که خمس و زکات بدهند و تعداد آن‌ها هم زیاد است.

چکیده‌ی آن‌چه که در امر ششم فرمودند این هست که آقایان حتماً مطالعه می‌فرمایند. این مطلبی که ما در این جا داریم تذکری است برای این که آقایان روی این مباحث فکر کنند و ان شاءالله این‌ها را برای مردم تبیین کنند، یک قدم این است که این مطالب به نحو استدلالی، به نحو بیان روشن بیان بشود تا این که دشمنان نتوانند با بیانات خودشان و مغالطه‌کاری‌های خودشان ذهن‌ها را خدای ناکرده منحرف کنند.



## جلسه هفدهم | ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

هفتمین موردی که رهبری معظم از برکات و آثار مهم انقلاب برشمرده‌اند ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان است. می‌فرمایند: "سابعاً نماد پرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روز به روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی به ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار می‌رفته است."

حاصل این فرمایش که انسان این را بالعیان مشاهده می‌کند این است که علی‌رغم این که افرادی در جامعه پیدا می‌شوند که هنوز دشمن را درست نشناخته‌اند و یا مقهور پیشرفت‌های مادی و ظاهری آن‌ها شدند، خدای متعال در قرآن شریف می‌فرماید که این ظواهری که دشمنان شما دارند اهل دنیا دارند شما را نفریبید «لَا يُغْرَنَكُم»<sup>۱</sup>.

ولی بعضی‌ها نسبت به این امور اغترار پیدا می‌کنند حتی کسانی که مسئولیت در این کشور داشتند جسارت می‌کردند و به ملت ایران می‌گفتند شما یک لوله‌ی آفتابه هم نمی‌توانید بسازید و داستان‌هایی که شما می‌بینید منتشر می‌شود که حتی سلطانی که خودش را سلطان و شاه ایران می‌دانست افسرهایی که می‌خواستند ابراز وجود کنند یک کارهایی را انجام بدهند قبول نمی‌کردند. برای خیلی از کارهای پیش پا افتاده و خیلی ساده هم اجازه نمی‌دادند که خود سربازان و افسران و درجه‌داران این کارها را انجام بدهند.

این مقهور شدن و مغلوب شدن و خود را ناچیز دیدن، و دشمنان را بزرگ پنداشتن، در بین مردم تقریباً این‌ها نهادینه شده بود؛ اما امروز برعکس است و شما می‌بینید وقتی مسئله‌ی اصل انقلاب و اسلام پیش می‌آید علی‌رغم گلاویه‌مندی‌هایی که وجود دارد و خیلی از این گلاویه‌مندی‌ها هم به حق و درست است

<sup>۱</sup> . سوره مبارکه فاطر، آیه ۵



و صواب است در جهات مختلف، جهات اقتصادی، جهات فرهنگی و غیر ذلک، اما چون اصل انقلاب را انقلاب الهی می‌دانند و با فطرت انسان‌ها سازگار است بحمدالله دست از دفاع و حمایت برنمی‌دارند و بحمدالله هر روز بر دشمنی‌شناسی مردم افزوده می‌شود و این یکی از آثار انقلاب است و سرمایه‌ی بزرگی ان شاءالله برای استدامه‌ی این راه پرافتخار خواهد بود. ان شاءالله.

### جلسه هجدهم | ۱۳۹۸/۰۱/۲۶

فراز دیگری از بیانیه‌ی رهبری معظم. بعد از این که ایشان عمده آثار و برکات انقلاب را برشمردند - نه همه‌ی آن‌ها را - می‌فرمایند: " جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است، انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید.

محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملّتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدیّن، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گرانبها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفته‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است، و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت."

قهرأ در میان جوان‌های این مرز و بوم که مخاطب رهبری معظم هستند، باید گفت که جوان‌های فاضل و بانگیزه و بااستعداد و بااخلاص حوزویان مخاطب ویژه هستند. چون همان‌طور که حدوث انقلاب بر عهده‌ی حوزه‌های علمیه بود و در حقیقت محرک اصلی و باعث اصلی حوزه‌های علمیه بودند به رهبری یک شخصیت بزرگ حوزوی مرحوم امام امت رضوان‌الله علیه و مراجع عالی‌قدر و مردم باوفایی که در



آن زمان همین راه را تشخیص داده بودند و همکاری فرمودند و هم‌یاری فرمودند، در ادامه هم باز این مهم بر دوش حوزه‌های علمیه و جوان‌ها و فضایی حوزه‌های علمیه است.

امروز قهراً سؤالات فراوانی، خواسته‌های فراوانی از حوزه‌های علمیه وجود دارد که می‌خواهند بگویند که اسلام در حیطه‌های مختلف زندگی و مسائل مختلف زندگی چه آموزه‌هایی دارد، چه راهنمایی‌هایی فرموده، خدای متعال چه خواسته‌هایی از بشر دارد، و تمام این ساحت‌ها چشم‌های عالمیان به حوزه‌های علمیه دوخته است و حوزه‌های علمیه هم اگر بخواهند پاسخ این سؤالات را بدهند که این‌ها واجب کفایی است، قهراً بدون زحمت، بدون علم‌اندوزی، بدون مجاهدت علمی میسر نخواهد بود، این امر مسلمی است. و هر روز که بر حوزه‌های علمیه می‌گذرد کار مشکل‌تر می‌شود.

البته این ابزارها و نرم‌افزارهایی که بحمدالله بوجود آمده از یک جهت کار را آسان‌تر می‌کند، چقدر وقت اساتید و بزرگان و علمای سابق برای تتبع‌ها گرفته می‌شد، و این‌ها بحمدالله الان هموار شده، ولی از طرف دیگر تراکم افکار شده و قهراً مطلب را از بین آن‌ها دریاورد و جواب همه را بتواند بدهد و همه‌ی استدلال‌ها را ببیند، که خیلی جاها لازم است کار را مشکل‌تر کرده است.

بنابراین حقیقتاً یک جهاد علمی و یک انقلاب علمی به یاری خدای متعال در حوزه‌های علمیه لازم است و آن بر دوش امثال شما فضایی جوان است. و این که می‌گوییم مجاهده می‌خواهد یک بخشی از آن بخاطر این است که امروز یک مقداری اداره‌ی زندگی مشکل‌تر از قبل شده به خاطر این که خواسته‌ها بیشتر شده و الا پدر ما روحانی بودند و در خانه‌ی روحانی به دنیا آمدیم و بزرگ شدیم و با علما و روحانیت از اول آشنا بودیم و می‌دانیم که چه زندگی‌های صعب و مشکلی داشتند.

من حساب می‌کردم پدر ما هفت منزل عوض کردند، که والده‌ی ما می‌گفتند ایشان پاهایش تاول می‌زد بخاطر این که مدام می‌گشت برای این که خانه پیدا کند، آن هم خیلی جاها می‌شنیدیم که ماجرایی که خیلی سخت‌گیری می‌کردند. ما وقتی مدرسه می‌رفتیم برای خیلی‌ها واقعاً مشکل بود، مثلاً ماهانه ما هفت تومان شهریه می‌دادیم. مدرسه‌ی ملی می‌رفتیم، مدرسه‌ی دولتی نمی‌گذاشتند برای این که جهات



مذهبی بهتر در آن مراعات می‌شد، همین هفت تومان مثلاً مشکل بود. بنابراین آن وقت هم مشکل بود اما تحمل آن آسان‌تر بود. چون «البلیة اذا عمّت هانت» معمول آدم‌ها هم در همین حدود بودن. حالا امروز بالاخره تشریفات و امثال ذلک زیادتر شده مشکل‌تر است.

در عین حال همان‌ها با همان مشکلات تمام اوقات‌شان را [ برای درس می گذاشتند]، من یادم است که با مرحوم والد به درس مرحوم امام در مسجد سلماسی می‌رفتیم و بعدش به مسجد بالاسر درس مرحوم آقای بروجردی می‌آمدیم، من آن وقت شش - هفت سال‌ام بود که با مرحوم ابوی درس می‌رفتیم، من حرف‌های امام را نمی‌فهمیدم که چه می‌فرمایند. اما این اصالة الاطلاق، اصالة العموم، این واژه‌ها به گوش من می‌خورد، ایشان هم خیلی با حرارت و با حماسه صحبت می‌کردند. درس حضرت امام درس پرجمعیتی بود و وقتی درس تمام می‌شد کوچکی سلماسی، کوچکی آقازاده تا حرم مطهر، مشحون از طلاب بود. به خاطر این که وقتی این درس تمام می‌شد طلاب برای درس‌های دیگر و درس آقای بروجردی و درس بزرگان به حرم می‌رفتند. وقتی درس تمام می‌شد من با ابوی همان‌طور که می‌آمدم می‌دیدیم همان حرف‌هایی که در درس از اصالة الاطلاق و اصالة العموم به گوشم می‌خورد، طلبه‌ها هم در مسیر همین حرف‌ها را با هم می‌زنند. یعنی هم و غم این‌ها همین بود، که آن بحث چه شد؟ نتیجه چه شد؟ همان حرف‌ها را دنبال می‌کردند این بود که ملا از آن درمی‌آمد. متأسفانه این کم‌رنگ شده که دنبال بحث باشند.

من عرض می‌کنم که یکی از مجاهده‌های امروز در راه خدای متعال همین است که انسان مجاهده باید بکند و آن‌هایی که این استعداد و قابلیت را در خودشان می‌بینند بیش‌تر وقتشان را برای مباحث علمی صرف بکنند. کارهای جانبی هم گرچه برای آن‌ها فضیلت است و آن‌ها هم کارهای لازمی است اما در باب تزاحم الان وضعیت طوری است که ما نیاز به ملا و آدم‌های برجسته‌ی باسود داریم.





ان شاء الله آن‌هایی که می‌توانند در این راه گام بردارند و این یک پاسخی است از ناحیه‌ی حوزه به ندای رهبری، همان‌طوری که ایشان از سایر جوان‌های مملکت در هر حوزه‌ای که هستند و دارای استعداد هستند این تقاضا را دارند.

### جلسه نوزدهم | ۱۳۹۸/۰۱/۲۷

بعد از آن که رهبری معظم برکات انقلاب را برشمردند که خود آن مسئله‌ی مهمی است که ارزش انقلاب به خصوص برای کسانی که قبل از انقلاب را درک نکرده‌اند توجه به آن بسیار ارزشمند و مهم است. حالا این مقطع جدیدی را که شروع می‌فرمایند با بیان آن، خواسته‌ها و مطالبات ایشان از جامعه‌ی انقلابی به خصوص جوان‌های عزیز است.

**" اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم."**

مجموعاً سرفصل‌ها هفت سرفصل هست.

**" این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی."**

از بعد معلوم می‌شود ایشان آن چه را که خواندیم هفت قسم قرار داده‌اند. شماره‌بندی‌ای که کردند. اگر ایشان شماره‌بندی نکرده بودند، ما ممکن است بگوییم این‌ها بیش‌تر می‌شد. ولی بعضی از آن‌ها با بعضی کأن یک باب قرار دادند. یک فصل قرار دادند.

این مهم است که الان خواسته‌ها و مطالبات ایشان برای استفاده‌ی انقلاب این است که نیروهای انقلابی و جوان و متعهد به این راه پرافتخار، همت خودشان را صرف تحقق این خواسته‌ها کنند که ان شاء الله در هر جلسه‌ای بعضی از این‌ها خوانده می‌شود که برای همه‌ی ما تذکاری باشد.

**" اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گوییم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی**



است. " نه این که یک امر خیالی و تخیلی. " این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جستهم، اما خود و همه را از نومییدی بی جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم "

یکی از پشتوانه‌های مهمی که انسان را از ناامیدی بیرون می‌کند توکل به خدای متعال است که خدا تواناست، قول داده سر قول خودش هم است «لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ»<sup>۱</sup>. من در این مدتی که توفیق داشتم با ایشان نشست و برخاست داشتم و در محضر ایشان بودم آنچه که دریافت کردم این است که علت این که ایشان می‌گویند من امید دارم، اعتقاد جازم [ایشان] به نصرت خدای متعال و توکل به خدای متعال است «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»<sup>۲</sup>. بحمدالله این عقیده در ایشان نهادینه شده است، نظیر این را من در نوجوانی از مرحوم امام قدس سره شنیدم که ایشان در سخنرانی باحماسه‌شان فرمود که اگر ما اعتقاد به معاد داشته باشیم نمی‌توانیم ساکت باشیم. آن چیزی که ایشان را وادار می‌کرد بدون ترس و واهمه در میدان بیاید، اعتقاد به معاد بود و می‌فرمود اگر ما اعتقاد به معاد داشته باشیم نمی‌توانیم ساکت بمانیم.

آنچه که می‌تواند ما را در قبال همه‌ی سختی‌ها و مشکلات، داخلی و خارجی، مقاوم بکند اعتقاد به این است که خدای متعال وعده داده «لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ»<sup>۳</sup> و فرموده «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»<sup>۴</sup>. اگر ما به وظیفه‌ی خودمان عمل بکنیم خدای متعال نصرت و کمکش را با آن حکمتی که دارد خواهد فرمود. حکمت خدای متعال در این نشئه به نحو خاصی است ولی ان شاءالله این کمک را خدای متعال خواهد فرمود.

## جلسه بیستم | ۱۳۹۷/۰۱/۳۱

فراز دیگری از بیانات مهم رهبری معظم در گام دوم: " شما جوانان باید پیشگام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومییدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماست "

۱. سوره مبارکه روم؛ آیه ۶؛ ترجمه: و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند

۲. سوره مبارکه محمد، آیه ۷؛ ترجمه: اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گامهائتان را استوار می‌دارد.

۳. سوره مبارکه زمر، آیه ۲۰؛ ترجمه: و خداوند در وعده خود تخلف نمی‌کند!

۴. سوره مبارکه محمد، آیه ۷؛ ترجمه: اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گامهائتان را استوار می‌دارد.



کارهایی که دشمن انجام می‌دهد و مقصود دشمن از محاصره‌ی اقتصادی و تبلیغات فراوانی که انجام می‌دهد این است که ناامیدی در دل‌ها کاریده شود و انسان‌ها از رسیدن به اهداف ناامید بشوند و بلکه نه تنها به اهداف نمی‌رسند این‌گونه تبلیغ می‌کنند که اوضاع بسیار بسیار بدتر از ماسبق یعنی قبل از انقلاب خواهد شد، پس نه تنها به آرمان‌های خودتان نمی‌رسید، آن رفاه‌ها و آسایش‌ها و خوبی‌هایی که قبل هم داشته‌اید، آن‌ها را هم از دست خواهید داد، یا داده‌اید. و این‌گونه می‌خواهند بذر ناامیدی در دل‌ها بکارند و قهراً به آمال و آرزوهای خودشان که برچیده شدن معاذالله اسلام و فضیلت‌های انسانی است [برسند] و این‌ها را از بین ببرند و دومرتبه همان سلطه‌گری‌ها و استثمارگری‌هایی که داشتند داشته باشند و صحنه برای افکار پلید خودشان در خاورمیانه فراهم بشود.

آنچه که در حدوث انقلاب مهم بود این بود که امام امت «قدس سره» امید و توکل به خداوند را داشتند که ان شاءالله کار به نتیجه خواهد رسید «الثَّقَّةُ بِاللَّهِ تَمَنُّ لِكُلِّ غَالٍ وَ سَلَّمَ إِلَى كُلِّ غَالٍ». این حقیقت در مرحوم امام رضوان الله علیه به نحو بسیار بالا و کاملی وجود داشت. رهبری هم بحمدالله در این جهت همین طور هستند؛ امید به آینده در دل ایشان بسیار بسیار قوی است. گاهی در جلسات خصوصی بعضی از بزرگان مطالبی می‌گویند که اوضاع وخیم است؛ ایشان گاهی می‌خندند و می‌فرمایند که نه! من خیلی امیدوارم، بالاخره آن چیزهایی را که شما می‌گویید انقلاب دارد. الان به نتیجه داریم می‌رسیم. هرچه هیاهوهای دشمنان زیادتر می‌شود برای این است که آن‌ها می‌بینند ما داریم به نتیجه می‌رسیم و داریم به نتایج نزدیک‌تر می‌شویم، هول برشان داشته که این کارها را دارند می‌کنند.

این مطلب که بحمدالله در رهبری است باید در حوزه‌های علمیه، در بین علماء، در بین طلاب محترم، ان شاءالله وجود داشته باشد و ما مأیوس نباشیم. خدای متعال حکمت بالغه‌اش این است «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ»<sup>۱</sup> این که انبیاء الهی بودند و معصوم بودند و آن‌چنان با وحی که در ارتباط بودند، گاهی خدای متعال آن‌قدر کار را طولانی می‌فرمود و مسائلی پیش می‌آمد روی حکمتی که خودش دارد «إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ» آن وقت خدای متعال پیروزی و نجات را ارزانی می‌داشت.

<sup>۱</sup> . بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۸ / ترجمه: امام جواد علیه السلام : اعتماد [به خداوند متعال]، بهای هر چیز گرانی است و نردبان رسیدن به هر بلندایی

<sup>۲</sup> . سوره مبارکه یوسف، آیه ۱۱۰؛ ترجمه: تا آنگاه که رسولان مأیوس شدند.



این جهت خیلی مهم است که همه‌ی ما ان شاء الله باید در خودمان توکل به خدای متعال و امید به یک آینده‌ی درخشان را ایجاد کنیم و حتماً ان شاء الله دعاهای حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه هم پشتیبان مسائل خواهد بود.

"نشانه‌های امیدبخش — که به برخی از آنها اشاره شد — در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است." اگرچه ریزش‌ها را گاه خیلی بزرگ جلوه می‌دهند و بزرگ می‌کنند ولی در واقع این طور نیست، "و دست و دلهای امین و خدمتگزار، به مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید." ان شاء الله.

### جلسه بیست و یکم | ۱۳۹۸/۰۲/۰۲

بیانات رهبری معظم در بیانیه‌ی گام دوم مشتمل بر توصیه‌های کارآمدی است که اگر آنها ان شاء الله به کار گرفته بشود راه برای رسیدن به مقاصد و اهداف عالی‌ی انقلاب هموار خواهد شد یا هموارتر خواهد شد. در مقاطع قبل از توصیه‌ها در حقیقت بیان آثار و برکات انقلاب و نشان دادن وضعیت قبل از انقلاب و آنچه که انقلاب پدید آورده است بود. از این جا به بعد توصیه‌هایی است که بر همه‌ی ما است که هر کدام در حدّ توان و به تناسب حرفه‌ای که دارد شغلی که دارد آن را انتخاب بکند و در راه تحقق آن کوشش کند.

"و اما توصیه‌ها؛

یک: علم و پژوهش. دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌بست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد."



مسئله‌ی پژوهش و علم واقعاً بخش مهمی است؛ خود علم در نظر جهانیان یک ارزش بالایی دارد. هر کسی عالم‌تر بود، دانشمندتر بود این ابّهت بیش‌تری دارد و احترام بیش‌تری در چشم جهانیان پیدا می‌کند. این که بسیاری از افراد مقهور غرب هستند و حرف‌های آن‌ها را در زمینه‌های دیگری هم که خودشان بهتر از این‌ها حرف دارند می‌پذیرند بخاطر آن مقهوریتی است که از ناحیه‌ی علم آن‌ها پیدا کردند.

این که چطور شد آن‌ها در علم جلوتر افتادند خودش داستان دارد، این نبود که استعداد اسلامیان و شرق از آن‌ها کمتر باشد؛ محل علم و خواستگاه علم این‌جا بود.

همین جهات در آن‌ها باعث شده که بسیاری از افراد عالم‌گرنش کنند. حالا در کنار آن دسیسه‌هایی که آن‌ها دارند، استعمارگری‌هایی که می‌کنند، استثمارگری‌هایی که می‌کنند اما این یک واقعیتی هم وجود دارد که بسیاری از افراد در اثر پیشرفت‌های علمی که کردند برای آن‌ها اهمیت قائل هستند.

این نکته برای ما مسلمان‌ها هم بسیار حائز اهمیت است؛ قرآن شروعش با «عَلَّمَهُ لَبَّيْن» «إِقْرَأ» است؛ این‌همه راجع به علم در اسلام وجود دارد، شاید دو جلد از بحارالانوار روایاتی است که در باب علم جمع آوری شده است، آن‌هم فقط علوم دینی نیست، اسلام مطلق علوم را توصیه فرموده. تحریرش فرموده. «و لو بالصّين»<sup>۱</sup> صین که نمی‌خواهند بروند علم دینی یاد بگیرند. این نشان می‌دهد که این مسئله خیلی مسئله‌ی مهمی است.

بر حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و همه‌ی مراکز علمی و پژوهشی است که واقعاً در این راه گام بردارند. حوزه‌های علمی شیعی در جهان اسلام این مزیت را داشته که حتی غیر شیعیان هم، به عظمت علمای شیعه معترف بودند، برای این که این‌ها در جهات مختلف، در فقه، در اصول، در تفسیر، حتی در ادبیات این عظمت را می‌دیدند. شیخ رضی نجم الائمه واقعاً نجم الائمه است، می‌درخشد. از ابن هشام و سیبویه و اخفش و ... بالاتر است. و شیخ رضی یک حجره‌ای در صحن امیرالمؤمنین سلام‌الله علیه داشتند و

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۰ « قَالَ النَّبِيُّ ص: اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ »



خود ایشان می‌گوید این نوآوری‌های خیلی بالایی که برای من در ادبیات عرب صرفاً و نحواً پیدا شده از این قبه‌ی مطهره است.

و ما نباید بگذاریم این وضعیت از بین برود، حوزه‌های علمیه ان شاء الله باید همیشه در قله‌های علم و پژوهش باشد و این افتخار از شیعیان زدوده نشود.

مسئله‌ی پژوهش هم مسئله‌ی بسیار مهمی است. من راه درست درس خواندن را عرض بکنم، مرحوم آیت الله مؤمن رضوان الله علیه پژوهش‌گر واقعی بود. اوایلی که ما خدمت ایشان تلمذ می‌کردیم و آن موقع هم که ما درس خدمت ایشان بودیم آیت الله مومن هنوز خارج می‌رفتند، شاید یک مدتی هم ما در کنار استاد، درس خارج مرحوم آقای حائری شرکت می‌کردیم. ایشان [آیت الله مومن] می‌فرمود من مثلاً درس مرحوم امام یا مرحوم آقای داماد که این‌ها درس آقای حائری می‌رفتند، ابتداءً خودم می‌نشستم مسئله را می‌نوشتم، مثل یک مجتهد مسئله را خودم می‌نوشتم بعد درس می‌رفتم، حالا ببینم در درس که می‌روم تفاوت‌های آن‌چه که استاد در درس می‌خواهد القاء کند با آن‌چه که من خودم فکر کردم و نوشتم چه است؟ اگر کسی چند سالی این‌طور کار کند که خودش قبلاً مسئله را بنویسد، فکر کند، مسئله را با داشته‌های خودش محاسبه کند، بعد در درس حضور پیدا بکند، اگر خدای متعال مقدر فرموده باشد خیلی سریع [به مقامات عالی می‌رسد]، اما گاهی خداوند تقدیر فرموده است.

می‌گویند یکی از علمای نجف اشرف که سطح می‌فرموده مدام به امیرالمؤمنین متوسل می‌شده که آقا من می‌خواهم مجتهد بشوم، می‌خواهم فقیه بشوم. و مدام حضرت را در خواب می‌دید که این روزی تو نیست. ولی آن شخص دست از ابرام و اصرار بر نمی‌داشته. تا اینکه بعد از چند وقتی حضرت به او فرمودند که می‌خواهی برای چه مجتهد بشوی؟ خدمت حضرت عرض کردند: می‌خواهم در آخرت مقامات کذا داشته باشم. این واقعاً نیت خوبی است که آدم از فقاہت و اجتهاد این نیت را داشته باشد، حضرت می‌فرمایند که بالاخره این روزی تو نیست، خدای متعال این را برای تو مقدر نکرده ولی تو



همین درس‌های سطحی را که بلد هستی درست بگو، خدای متعال همان ثواب‌هایی که دنبال آن هستی را در قیامت به تو عطا خواهد فرمود.

من یک مطلبی را گفته بودم و می‌بینم که در این سایت‌ها و در این فضای نوشتاری یک جمله را گاهی از یک نفر می‌گیرند و قبل و بعد آن را حذف می‌کنند و آن مطلبی را که مراد متکلم نبود القاء می‌کنند.

آن جا نوشتند فلانی گفته است حوزه احتیاج به تحول ندارد، حالا بعضی به من اعتراض می‌کنند یا مقاله برخلاف و علیه آن نوشتند. من چنین حرفی را نزدم. آن چه را که من می‌گویم [این است] روش و متدی که در حوزه‌های علمیه از زمان شیخ طوسی و قبل تا به امروز بر اساس آن حوزه‌های علمیه تحقیق می‌کرده است این یک روشی است که من گمان نکنم باید استبدال به روش دیگری بشود. بلکه ممکن است از روش‌های دیگری برای تکمیل آن استفاده بکنند.

چه روشی ما داشتیم؟ روش ما این بوده که در حوزه‌های علمیه از اول به ما یاد دادند که باید خواندن شما با تفکر، با تأمل، با دقت همراه باشد. این را می‌شود به جای آن چیز دیگری گذاشت؟

به ما از اول یاد دادند که شما باید درس‌ها را مباحثه کنید. هم پیش‌مباحثه و هم بعد از درس مباحثه داشته باشید چه در سطح تان و چه در خارج تان. این را می‌شود چیزی به جای آن گذاشت؟ این روش غلطی است؟

به ما یاد دادند که تقریرات بنویسیم نه این که سر درس امالی بنویسیم؛ بعد از درس برویم فکر کنیم آن چه را که دریافت کرده‌ایم با تنظیم جدید که ممکن است غیر از آن باشد که استاد گفته؛ آن را به قلم بیاوریم که این‌ها در ذهن حلاجی می‌شود، بعد به حرف‌ها تعلیقه بنویسیم، تحکیم بنویسیم. این روش‌هایی که در حوزه‌ها بوده.

کسی تقریرات بحشش را خدمت آیت‌الله عظمی بروجردی قدس سره آورد، و هم‌چنین ظاهراً مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم، آن مقرر هیچ اشکالی را نکرده بود، ایشان گفتند آقا این تقریر مقبول نیست،



مگر من معصوم هستم! بالاخره یک جایی از آن یک حرف اضافه داشته باشد یا اشکالی کرده باشد یا این قلتی کرده باشد. بزرگان به این روش تشویق می کردند.

روش تدریس و تدرّس؛ کسی که مرحله‌ی بالاتر می‌خواند مجال این را پیدا نکند مرحله‌ی پایین‌تر را بارها تدریس کند. این روش، این متد که از سابق و لاحق در حوزه‌های علمیه وجود داشته، این یک روشی نیست که تحوّل بخواهد در آن بشود. این روش درست است. در هر علمی هم این روش وارد بشود آن‌جا جواب می‌دهد. در فلسفه هم همین‌گونه است، در تفسیر هم همین‌گونه است، حتی علوم دانشگاه، اگر آن‌جا هم این دانشجوها مباحثه می‌کردند، اگر قبلاً می‌نشستند روی مسائل فکر می‌کردند بعد سر کلاس می‌رفتند، آیا [دانشگاه] این‌طوری بود که امروز است؟

پس بنابراین این اشتباه نشود، لازم بود من این مسئله را توضیح بدهم برای این که اذهان عمومی، اذهان طلاب محترم، فضلاء را نیابند با حرف‌های معوج منحرف بکنند. اگرچه قصد نداشته باشند. بعضی از آن‌ها انحرافات اسم مصدری است نه انحرافات مصدری، یعنی به قصد انحراف نیست ولی بالاخره در افراد انحراف ایجاد می‌شود.

### جلسه بیست و دوم | ۱۳۹۸/۰۲/۰۳

دومین توصیه‌ای که رهبری معظم می‌فرمایند معنویت و اخلاق [است]. "معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتهای و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند." تا پایان مطالبی که در این امر دوم بیان فرمودند .

روشن است که اساس اسلام بر تذکیر و ارتقاء نفس از رذائل به طرف فضائل است؛ چیزی است که برنامه‌ی اصلی اسلام است. این‌طور تربیت مورد نظر اسلام است. در کنار رفاه مادی و سایر امور، در





کنار آنچه که اصالت دارد و آنها هم باید به عنوان رسیدن به آنها در حقیقت از آن استفاده بشود، آن کمالات اخلاقی و معنوی انسان است.

این معنویت و اخلاق یک امر دو منظوره است. یکی این که خود ارتقاء انسان به این است که معنویت پیدا بکند. دو؛ این که برای تبلیغ دین طریقت دارد. اگر جامعه‌ی اسلامی یک جامعه‌ی بااخلاق و بامعنویت شد آن وقت این جامعه می‌تواند بهترین مبلغ برای اسلام باشد. اگر پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله از آن افراد جاهلی عجیب و غریب با آن خصوصیات که تاریخ آنها را ضبط کرده، موفق شدند مردمانی را بسازد و اسلام را منتشر کند بخاطر اخلاق ایشان بود و امیرالمؤمنین سلام الله علیه در نهج البلاغه آنها را بیان می‌فرماید به حسب خطب‌شان که چه اوضاع فرهنگی عجیب و غریبی بود، «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِحَ لِقَابُكَ مِنْ حَوْلِكَ»<sup>۱</sup>.

اخلاق آن چیزی است که می‌تواند باعث بشود که آن آرمان‌ها، آن اهداف ان شاء الله به منصفی ظهور برسد. من شاید چند بار هم این‌جا عرض کردم، اگر مردم کشورهای دیگر و حتی مردم کشور خودمان وقتی مثلاً به قم بیایند که ابتداً خاستگاه انقلاب بوده، به حوزه‌های علمیه بیایند و بعد آن چه را که از اخلاق و معنویت و راستی و درستی و صفا در تصورشان است نبینند، قهراً باعث می‌شود که این‌ها تنفر برای‌شان پیدا بشود، آن جاذبه‌ی مهم این است. در مدرسه‌های ما، در حوزه‌های علمیه‌ی ما، در مراکزی که علما و فضلا و طلاب محترم حضور دارند، ما برای کیان اسلام، برای کیان روحانیت باید آن ذی روحانیت را واقعاً مراعات بکنیم.

این راه مشکل است، طلبگی واقعاً مشکل است. اگر کسی بخواهد طلبه باشد بخواهد روحانی باشد کار آسانی نیست. ولی شما این افتخار را پیدا کردید که این راه را انتخاب کردید. این راهی که انتخاب شده زحمات خودش را دارد ولی عاقبت بسیار بسیار بزرگی دارد.

<sup>۱</sup> . سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۵۹؛ ترجمه: و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند.



یکی از علمای بزرگ قم مرحوم آقای فرید اراکی بودند که ایشان شاگرد آقای حاج شیخ عبدالکریم بودند. و در سطح مرحوم آیت‌الله گلپایگانی و مرحوم امام و با آیت‌الله گلپایگانی هم‌مباحثه بودند. بعد از این که امام تبعید شدند، عده‌ای از فضلاء تلامذه‌ی امام دور ایشان جمع شدند و از ایشان خواستند که درس شروع کنند و ایشان درس را شروع کردند، و شاید مثل آیت‌الله مؤمن بعد از این که امام تبعید شدند مدتی این درس را می‌رفتند. روزهای پنج‌شنبه‌ها هم ایشان درس اخلاق می‌فرمودند. ما آن موقع‌ها ادبیات یا اوائل شرح لمعه می‌خواندیم، پنج‌شنبه‌ها گاهی درس اخلاق ایشان می‌رفتیم. ایشان مرد بزرگی بودند، به خصوص در باب معنویت و اخلاق. گمان کنم آیت‌الله استادی از ایشان شنیده بودند که ایشان نقل کرده بودند که رسم من این بود که مثلاً هر یک ماه یا دو ماهی که می‌خواستم اراک بروم به قبرستان نو در همین خیابان اراک می‌آمدم، که مردم قم به آن قبرستان، حاج شیخ می‌گویند، چون ایشان این قبرستان را تأسیس کرده بود. این‌جا می‌ایستادم که ماشین‌هایی که از تهران می‌آیند بروند اراک سوار بشوم. یک بار این‌جا ایستاده بودم و به یاد بعضی از آشنایان و بستگانی که در این قبرستان مدفون هستند فاتحه‌ای خواندم و به آن‌ها نثار کردم. در ضمن ایشان فرموده بودند که یک نزاعی در بین خاندان‌مان وجود داشت، راجع به بعضی از اراضی بود که سند آن ناپیدا بود و مورد تنازع بود. ما این فاتحه را این‌جا خواندیم و رفتیم اراک. وقتی رفتیم اراک یکی از بستگان (یا غیر از بستگان) پیش من آمد و نام یکی از علما را که در همین قبرستان نو مدفون است برد و گفت این عالم را در خواب دیدند و به او فرموده است که سند این زمین کجاست، و این شخص رفته بود سند را دیده که همان‌جا است و این سند باعث شد این دعوا فیصله پیدا کند و معلوم شد که این خواب از رؤیای صادقه است. چون آدرس سندی را داد که آن سند در همان جایی بود که آدرس را داده بود و نزاع برطرف شد. مطلب دومی که گفت این بود، علما در عالم برزخ خیلی ارج و قرب دارند، ولی به شرط این که آخرت خودشان را به دنیا نفروخته باشند. هر عالمی که آخرتش را به دنیا نفروخته باشد این‌جا خیلی ارج و قرب دارد.

ان شاءالله امیدواریم که همه‌ی شما عزیزان و همه‌ی حوزویانی که این راه پرافتخار را انتخاب کردند همین‌طور باشند و در معنویت و اخلاق برجسته باشند که اگر چنین شد این به جامعه هم سرایت خواهد



کرد، به جوان‌ها و مردم و زنان و مردان هم سرایت خواهد کرد و ان شاءالله یک جامعه‌ای داشته باشیم که مورد رضایت حضرت بقیةالله ارواحنا فداه باشد.

## جلسه بیست و سوم | ۱۳۹۸/۰۲/۰۷

در ادامه‌ی توصیه‌ی دوم که توصیه‌ی به معنویت و اخلاق است رهبری معظم در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب به این نکته توجه می‌دهند که "ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضدّ معنویت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین برعهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد، و این البته به معنی رفع مسؤلیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاءالله."

در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان هستیم و ایام تبلیغی و رسالت تبلیغ که بر عهده‌ی حوزه‌های علمیه و شما عزیزان هست. یکی از ابزارهایی که می‌تواند اولاً این خطر مهم را به مردم یادآوری کند و ثانیاً مانند پادزهری در مقابل این تهاجمات عمل کند و دل‌ها را به معنویت و اخلاق و خداپرستی اطاعت از خدای متعال رهنمون بشود همین مجالس تبلیغ و وعظ و بیان کلمات خدای متعال و معصومین علیهم السلام است.

این مسئله به حسب روایات مسلم است من توفیق داشتم این ایام اوایل فروردین به دعوت بعضی از عزیزان مشرف شدم به عتبات، توفیق پیدا شد خدمت آیت‌الله العظمی آقای سیستانی هم دام ظلّه مشرف بشویم. ایشان یکی از فرمایشات‌شان همین روایت معروف منسوب به حضرت رضا سلام‌الله علیه بود که اگر مردم سخنان ما را بشنوند قبول می‌کنند چون کلمات آن‌ها کلماتی است که با فطرت با عقل سازگار است. توصیه‌ی ایشان این بود که شما همین مطالب ناب اسلامی را که قرآن و حدیث آن‌ها را بیان می‌کند برای مردم بگویید، وقتی برای مردم گفتید مردم فطرت‌شان پاک است ان شاءالله مورد قبول و پذیرش آن‌ها واقع می‌شود.



آنچه که این جا رهبری معظم می‌فرمایند بسیار بسیار مسئله‌ی حساسی است. تبلیغ چه از آن طرف و چه از این طرف، مؤثر است. همین تبلیغ، تبلیغی است که مولا الموحّدین را در اذهان مردم آن‌طور معرفی کرده بود که نماز معاذالله نمی‌خواند و تبلیغات این کار را کرد بود.

امروز می‌بینیم تبلیغ از هر ناحیه به جهات مختلف وجود دارد تا روحانیت را، اسلام را ملکوک کنند.

این یک مسئله‌ی بسیار مهمی است که ما اگر نقد داریم باید تقدمان به گونه‌ای باشد که پایه‌ها را خراب نکنیم که بگویند اصلاً به طور کلی ناکارآمد است، هیچ کاری انجام نشده هیچ کس کاری انجام نداده دل مردم را خالی کنند. علی‌ای حال در ظلّ کتاب و سنت ان شاءالله با اخلاق عملی‌ای که انسان باید از خودش نشان بدهد در تبلیغ، ان شاءالله همه‌ی برادران عزیز موفق باشند. ان شاءالله به این که اولاً به تبلیغ تشریف ببرند و تبلیغ ماه محرم و ماه صفر و ماه مبارک رمضان هیچ ضربه‌ای به درس نمی‌زند و کسی [نگوید] که ممکن است به درس‌ام ضرر بخورد، بلکه این‌ها لازم است ضرر هم نمی‌رساند باید این تبلیغ را حتماً داشته باشیم. و با توجه به همین جهات ان شاءالله یک پشتیبان‌های برای جوان‌ها و همه‌ی مردم بوده باشد.

### جلسه بیست و چهارم | ۱۳۹۸/۰۲/۰۸

امر سومی که در بیانیه‌ی مهم رهبری معظم آمده است توصیه‌ی به مسئله‌ی اقتصاد [می‌باشد]. روشن است که در اسلام اقتصاد جنبه‌ی آلی و وسیله‌ای دارد. هدف نهایی، امور اقتصادی در اسلام نیست. بلکه اقتصاد برای این است که به عنوان یک ابزار، یک وسیله برای طی نمودن راه کمال، معنویت و اخلاق و وصول به معدن عظمت، که خدای متعال است استفاده بشود. ولی در ابزار بودن آن و وسیله بودن آن رکن است و اگر امور مادی به نحو صحیح و درست انجام نپذیرد و سامان نپذیرد، برای معمول بشر استطراف این راه به کمال مختل خواهد شد. از این جهت امر اقتصاد بسیار مهم است.

ولی چون دنیای امروز که همه‌ی سلطه‌گران و استعمارگران و طواغیت بر علیه این راه خدا و راه صحیح هستند تمام راه‌های ترقی مادی ما را می‌خواهند مسدود کنند. بنابراین امید به آن‌ها بستن کار غلطی



است و همان اقتصاد مقاومتی‌ای که بارها و بارها رهبری معظم فرموده‌اند که اقتصاد درون‌زا است که به داشته‌های خودمان تکیه کنیم.

بعضی از گفته‌هایی که در جوامع معمولی درست است که گاهی گفته می‌شود مثلاً صرفه‌ی اقتصادی ندارد فلان کار، ما اگر خودمان بخواهیم فلان کار را بکنیم گران درمی‌آید، صرفه‌ی اقتصادی ندارد. این حرف در جایی درست است که ما دشمنان این‌چنینی نداشته باشیم. ولیکن در حالتی که ما این‌چنین هستیم بنابراین باید کاری بشود ان شاء الله که از جهات مختلف بتواند این مملکت روی پای خودش ان شاء الله بایستد. و این همان‌طور که بارها گفته شده است ما نیاز داریم به کارگزاران و افرادی که اولاً حزب‌اللهی باشند و دل به انقلاب و اسلام پیوند زده باشند و دو؛ این که کاربلد باشند. این دو تا عنصر را ما لازم داریم که حزب‌اللهی کاربلد، و البته این‌ها نشاط می‌خواهد، جوانی می‌خواهد، آدم‌هایی با نشاط باشند که ان شاء الله بیایند کارها را دست بگیرند و پیشرفت حاصل بشود. اصل مطلب آقا همین مطلب است. حالا من فرازی از آن را قرائت می‌کنم.

**"سه) اقتصاد: اقتصاد یک نکته‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی نقطه‌ی قوت، و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تکیه بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این‌جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد."**

ان شاء الله در همین تبلیغات و منابر و سخنرانی‌ها و ارشاداتی که فضلالی محترم در ماه مبارک رمضان دارند باید این جهت را برای مردم خوب توضیح بدهند و این را برای مردم تبیین بفرمایند که الان مسئله‌ی تولید، مسئله‌ی قناعت از مسائلی است که مثل خود روزه گرفتن یا مثل سایر عبادات، اگر



انسان قصد قربت کند و برای پیشرفت اسلام و دفاع از اسلام و تشیع و اهل بیت علیهم السلام، من القربات الی الله تبارک و تعالی است.

الان نقدینگی در بین افراد وجود دارد. عدد خیلی بالایی است. این افرادی که مثلاً پول های شان را در بانک گذاشتن و بهره گرفتن و امثال ذلک، این ها می توانند پول هیا خود وارد کارهای تولیدی بکنند. ولو این که حالا آن استفاده هایی که می کردند کمتر شده باشد اما اگر به قصد نصرت خدای متعال و نصرت دین باشد این ها سرمایه های آخرت شان خواهد شد که با این سرمایه های دنیایی قابل مقایسه نیست.

هم چنین در مصرف، قناعت داشته باشند. من بارها و بارها این مسئله ی قناعت را عرض کردم، این مسئله ی قناعت و بالاخره ریخت و پاش نداشتن، توسعه ی زیاد به زندگی ندادن در این اوضاع امروز که این همه ما می بینیم که گرفتاری برای ابناء نوع وجود دارد این ها برای خاطر خدای متعال اشکالی ندارد. من هیچ گاه ندیدم که در پذیرایی هایی که رهبری دارند غیر از یک نوع میوه باشد مثلاً فقط پرتقال بوده است. یا مثلاً فرض کنید در فصلی است که انگور فراوان است فقط انگور و جای است.

و ان شاء الله در این اوضاعی که به وجود آمده و بسیاری از افراد در تنگنا هستند این ها را در خودمان و دیگران بتوانیم نهادینه بکنیم.

## جلسه بیست و پنجم | ۱۳۹۸/۰۲/۰۹

مطلب چهارمی که در بیانیه رهبری معظم مورد توصیه واقع شده است عدالت و مبارزه ی با فساد است، می فرمایند:

**"چهار) عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند." اگر عدالت بخواهد برپا بشود باید با فساد مبارزه کرد و اگر بخواهد فساد نباشد باید عدالت مراعات گردد "فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه ی حکومتها عارض شود، زلزله ی ویرانگر و ضربه زنده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی تر و بنیانی تر از دیگر نظامها است."**



ایشان در این توصیه‌ی چهارم بیش از توصیه‌های دیگر سخن دارند و بیانات فرمودند که در این وقت کوتاه گنجایش خواندن همه‌ی آنها نیست که ان شاءالله مراجعه خواهید فرمود.

نکته‌ای که این جا باید به آن توجه کنیم این است که یکی از شگردها و سیاست‌های دشمنان و گاهی دوستان غافل این است که این موارد فسادى که کمابیش وجود دارد را بیش از حد بزرگ می‌کنند، و خیال می‌شود که این چپاول‌گری و اختلاس و بی‌عدالتی و امثال ذلک در تمام سطوح حکومتی معاذالله وجود دارد. و حال این که این چنین نیست. یک مواردی وجود داشته، انسان‌های ناباب همیشه در این امور بوده‌اند، حتی در حکومت‌های الهی و زمان ائمه علیهم السلام و آن موقع‌ها هم آدم‌های ناباب همیشه پیدا می‌شدند و پیدا خواهند شد.

عالم، عالم اختیار است اهواء و امثال این‌ها هم در انسان‌ها وجود دارد. بنابراین باید با این‌ها مبارزه بشود، جلوگیری بشود و همه مراعات بکنند، اما نقطه‌های ضعف را بیش از آن مقداری که است نباید بزرگ کرد و در دل‌ها را خالی کرد.

همین دیروز یک شخصی یک کلیبی را گذاشته بود و می‌شنیدم، متأسفانه بعضی‌ها هم که حالا شاید از خانواده‌ی شهدا هم باشند به گونه‌ای صحبت می‌کنند و بعضی از امور ناروایی را که می‌بینند چندین برابر می‌کنند و آن‌ها را بزرگ می‌کنند و یک توقعات ویژه و خاصی، گاهی هم خلاف آن‌چه که مقاصد انقلاب بوده بیان می‌کنند. این جایی است که از مضال اقدام است، در کنار این که مسئله بسیار مهم است از آن طرف هم باید مواظبت کرد که خارج از حدود نشود و موجب ناامیدی اهل خود این مملکت و دیگرانی که ناظر به این‌جا هستند [نشود] و باعث نشود آن‌هایی که به ایران چشم امید دوخته‌اند و چشم امیدشان این است که ان شاءالله این انقلاب به مقاصد برسد آن‌ها را هم نباید ناامید کرد. یعنی دو وظیفه است؛ هم خود اهالی این مملکت و هم دیگرانی که در خارج هستند و چشم امیدشان به این انقلاب و مردم این سامان است.

خدای متعال به همه‌ی ما توفیق خدمت به اسلام عنایت بفرماید.

**جلسه بیست و ششم | ۱۳۹۸/۰۲/۱۰**

پنجمین توصیه‌ای که رهبری معظم می‌فرمایند استقلال و آزادی است.



”استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه گر جهان است، و آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی اند و این هر دو عطیّه‌ی الهی به انسانهاست“

این مسئله‌ی استقلال و آزادی واقعاً دو نعمت بسیار ارزشمند و مهم است، منتهی مضالّ اقدام است. بخصوص مسئله‌ی آزادی. که باید آزادی را چه طور معنا کرد که ایشان در این فراز معنی فرمودند. این احتیاج دارد عزیزانی که ان شاء الله به تبلیغ مشرف می‌شوند بخصوص با نسل جوان سر و کار دارند این‌ها را واقعاً تبیین کنند که آن آزادی‌ای که در اسلام است چیست؟

ما الان مثل ماهی‌ای هستیم که در آب است که توجه ندارد در چه نعمتی دارد زندگی می‌کند اگر صیاد او را از آب بیرون بیاورد، آن وقت می‌فهمد که در چه نعمتی است. ما الان آزادی و استقلالی داریم که گوش به فرمان هیچ کجا نیستیم و خودمان می‌توانیم تصمیم بگیریم با آن روشی که برای خودمان به عنوان قانون اساسی و قوانین عادی قرار دادیم.

این را باید خوب باز کرد، برای مردم توضیح داد و باز این که آزادی‌ای که در اسلام گفته شده است حتی عده‌ای از کسانی که بالاخره خودی هستند و حتی ممکن است که در رده‌های حکومت هم وجود داشته باشند آزادی را چه جور معنا می‌کنند؟ آیا آزادی با این که امر به معروف بشود نهی از منکر بشود، انسان‌ها و ادار بشوند الجاء حتی بشوند به این که اطاعت خدای متعال را بکنند، این‌ها همه در این‌ها قرار می‌گیرد. آیا ما اگر خانم‌ها را بر حجاب اجبار کنیم، این منافات با آن آزادی‌ای دارد که می‌گوییم از ارزش‌ها است؟ آیا بر سایر احکام الهی اگر اجبار کنیم این منافات با آن آزادی دارد؟ این‌ها از همان مسائلی است که خیلی مهم است، هم برای خود ما مهم است و هم برای مملکت ما و هم برای این سؤالات جهانی است که شما نسبت به آزادی موقف اسلام چه هست؟ با این‌ها چه جور سازگاری دارد؟ این‌ها را باید تبیین کرد و تبیین آن هم علی ضوء الکتاب و السنّة و فطرت انسانی و عقل است. که در حقیقت بهترین نوع آزادی و معنا و مفهوم آزادی آن است که در اسلام بیان شده.





الآن چون فرصت نداریم من فقط فهرست مطالبی را که ایشان فرمودند را عرض می‌کنم ان شاء الله آقایان با امعان نظر این‌ها را مورد بحث قرار بدهند.

**شش: عزت ملی و روابط خارجی، مرزبندی با دشمن.** این سه، یعنی عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، شاخه‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین المللی هستند. یک قلدرهایی در عالم وجود دارند که چون ثروت دارند یا قدرت دارند، این‌ها مثل اسب چموشی یا حیوان چموشی که یک مدتی غذای زیاد به او می‌دهند می‌خورد و دیگر قابل کنترل نیستند. خیلی از این آدم‌هایی که در این دنیا هستند «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»<sup>۱</sup> «همین‌طور شدند زورگویی و حرف ناحساب زدن و بی‌منطق صحبت کردن و چپاول‌گری، این موضوع رویه و سریه‌ی آن‌ها شده است.

عزت این است که ما در مقابل این‌طور آدم‌ها تسلیم نشویم، اسلام تسلیم نشده و باید گروندگان به آن هم تسلیم نشوند و روابط خارجی ما باید با دولت‌ها بر اساس احترام متقابل باشد، بر اساس منطق باشد، بر اساس زورگویی نباشد.

با دشمنان همان‌طوری که اسلام گفته است برخورد شود. باز این‌ها هم مطالب شایسته و بسیار مهمی است که هم به درد داخل می‌خورد و هم عرض کردم این‌ها باز سؤالات جهانی است چون این‌ها مسائل جهانی است که اسلام در این موارد چه موقفی دارد و چه راهنمایی‌هایی فرموده است.

هفت که آخرین توصیه‌ی آن بزرگوار است سبک زندگی است. که این هم بسیار بسیار امر بااهمیتی است.

خیلی از این تبلیغات خارجی‌ها و منعکس شدن زندگی‌های آن‌ها فریب است و وقتی که وارد زندگی‌های آن‌ها می‌شود می‌گوید واقعاً «مَعِيشَةٌ ضَنْكًا»<sup>۲</sup> [هستند]. این‌ها را بزک می‌کنند و دیگران را فریب می‌دهند و دارند سبک

<sup>۱</sup> . سوره مبارکه علق، آیات ۶ و ۷؛ ترجمه: چنین نیست به یقین انسان طغیان می‌کند، از اینکه خود را بی‌نیاز ببیند!

<sup>۲</sup> . سوره مبارکه طه، آیه ۲۴؛ ترجمه آیه: و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم!



زندگی‌های ما را از آن که طبیعت انسان، فطرت انسانی می‌گوید و اسلام آن‌ها را ترسیم فرموده برای ما خارج می‌کنند.

یکی از بحث‌های مهم این است که ما از کتاب و سنت و سیره‌ی معصومین علیهم السلام و تربیت‌شدگان این مکتب استخراج کنیم که سبک زندگی باید به چه نحو باشد که نه اسراف در آن است، نه تبذیر در آن است، نه دنیاطلبی در آن است. و قناعت در آن است. دست دیگران را گرفتن در آن است. همان که در دعای عند الزوال می‌خوانیم که آن‌جا به ما دستور دادند که به دیگران بتوانیم برسیم.

آقایان می‌توانند در تبلیغات‌شان این گام دوم را موضوع بحث تبلیغ خود قرار بدهند و علی‌ضوء‌الکتاب و السنّة ان شاءالله هم برای خود مان و هم برای مردم شریف مؤمنی که مؤمن به این راه هستند و حدوث و بقاء انقلاب هم با اعانت آن‌ها و کمک آن‌ها انجام شده است تبیین کنند.

کانال پندهای سعادت  
در محضر حضرت استاد شب زنده دار رحمته‌الله  
@pand\_saadat

